

[1396/04/31]

جلسه: 64 صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه 27 بهمن ماه 1305 مطابق 14 شعبان 1345

فهرست مندرجات:

- 1- قرائت خبر شعبه دوم راجع به انتخابات خوی و نمایندگی آقای ابوالقاسم خان رجالی و اظهار مخالفت آقای فرشى
- 2- تصویب نمایندگی آقای حاج غلامحسین ملک بهبهانی از شیراز
- 3- شور و مذاکره نسبت به لایحه وزارت عدلیه راجع به اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه به وسیله کمیسیون‌های مرکب از اشخاص بصیر و تصویب قانون مزبور
- 4- معرفی آقا میرزا یوسف خان مشار به سمت معاونت وزارت معارف از طرف آقای وزارت معارف
- 5- معرفی آقای مصطفی‌قلی خان بیات به سمت معاونت وزرات داخله از طرف آقای وزیر داخله
- 6- معرفی آقای رهنما به سمت معاونت وزارت فوائد عامه از طرف آقای وزیر فوائد عامه
- 7- قانون اجازه اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه به وزیر فعلی ع

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره 6

جلسه: 64

صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه 27 بهمن ماه 1305 مطابق 14 شعبان 1345

فهرست مندرجات:

- 1- قرائت خبر شعبه دوم راجع به انتخابات خوی و نمایندگی آقای ابوالقاسم خان رجالی و اظهار مخالفت آقای فرشى
- 2- تصویب نمایندگی آقای حاج غلامحسین ملک بهبهانی از شیراز
- 3- شور و مذاکره نسبت به لایحه وزارت عدلیه راجع به اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه به وسیله کمیسیون‌های مرکب از اشخاص بصیر و تصویب قانون مزبور
- 4- معرفی آقا میرزا یوسف خان مشار به سمت معاونت وزارت معارف از طرف آقای وزارت معارف
- 5- معرفی آقای مصطفی‌قلی خان بیات به سمت معاونت وزرات داخله از طرف آقای وزیر داخله
- 6- معرفی آقای رهنما به سمت معاونت وزارت فوائد عامه از طرف آقای وزیر فوائد عامه
- 7- قانون اجازه اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه به وزیر فعلی عدلیه

(مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس سه‌شنبه 25 بهمن ماه را آقای کلای قرائت نمودند)

رئیس- نسبت به صورت مجلس ایرادی هست یا نه؟

میرزا سید احمدخان اعتبار- اجازه می‌فرمایید؟

رئیس- بفرمایید

+++

اعتبار- بنده را در صورت مجلس غائب بی‌اجازه نوشته‌اند در صورتی که بنده کتباً استجازه کرده بودم

رئیس- از کمیسیون استعلام می‌شود و بعد اصلاح خواهد شد. آقای امیرحسین خان

امیرحسین خان- بنده را غائب بی‌اجازه نوشته‌اند و حال آن که در جلسه قبل بنده کسالت داشتم و کتباً هم از مقام ریاست استجازه کرده بودم.

رئیس- این یکی هم اصلاح می‌شود. آقای نظامی

میرزا یدالله خان نظامی- بنده را هم غائب بی‌اجازه نوشته‌اند در صورتی که بنده استدعای اجازه کرده بودم

رئیس- دیگر ایرادی نیست؟ (گفته شد- خیر)

رئیس- صورت مجلس تصویب شد. قبل از این که موارد دستور شویم دو فقره خبر از شعبه و شعبه دوم یکی راجع به نمایندگی آقای

ملک‌التجار بهبهانی و دیگری راجع به انتخابات خوی رسیده است قرائت می‌شود و رأی می‌گیریم. آقای زوار تشریف بیاورید.

(آقای زوار در محل نطق حاضر شده راپورت شعبه) (دوم را راجع به نماینده خوی به مضمون آتی قرائت نمودند)

شعبه دوم چندین جلسه برای رسیدگی به دوسیه انتخابات خوی و ماکو و سلماس و مرند و تعیین نماینده دوم آنجا تشکیل و به دوسیه و سوابق امر به دقت رسیدگی به عمل آورد. شرح قضیه به طوری است که ذیلاً به عرض مجلس می‌رسد.

دوسیه انتخابات مزبور در بدو افتتاح مجلس به شعبه شش رجوع شده بود. شعبه مزبوره نمایندگی آقای امامی را تصدیق نموده و راپورت آن را می‌دهد ولی نظر به این که انجمن نظارت خوی راجع به نماینده ثانی اشکال کرده و اعتبارنامه نداده بود و وزارت داخله رفع اشکال را به نظر مجلس موکول کرده بود لهذا شعبه 6 کمیسیون فرعی معین نمود که به تمام اوراق و دوسیه‌های مربوطه به این امر اعم از آنچه در وزارت داخله است یا مجلس رسیدگی نموده و راپورت دهد. کمیسیون مزبور پس از چند جلسه تحقیق و مراجعه به دوسیه این طور راپورت می‌دهند. انجمن مرکزی خوی در 24 شعبان 1344 تشکیل گردید و انتخابات را به جریان انداخته و پس از استخراج آراء خوی و ماکو و سلماس تلگرافی از طرف حکومت به وزارت داخله در 12 اردیبهشت شده است که از مجموع آراء سه محل مزبور آقای امامی دارای 8838 رأی و آقای میرزا ابوالقاسم خان رجالی دارای 6341 رأی بوده و حائز اکثریت هستند بعد در 27 اردیبهشت حکومت اطلاع می‌دهد که انجمن مرکزی خوی آراء ماکو را باطل دانسته و بنابراین حائزین اکثریت آقایان امامی و حاج امین‌الاسلام رئیس انجمن خواهد بود. از وزارت داخله دلیل ایضال را سؤال کرده‌اند انجمن در جواب می‌نویسد انتخابات رضایت بخش نبوده و برخلاف قانون عمل شده است. در همان تاریخ شکایتی از انجمن مرند به وزارت داخله می‌رسد که انجمن خوی پس از این که آراء مرند را قرائت کرده است به عنوان این که دیرتر از موقعی که انجمن نظار مرکزی تعیین نموده است خاتمه یافته آن آراء را باطل نموده است در صورتی که نظار مرند تأخیر را به عمل انجمن خوی و فرستاده آن نسبت می‌دهند.

در هر حال چون انجمن بعد از قرائت آراء و تشخیص حائزین اکثریت از رأی خود عدول کرده و مخصوصاً با توجه به این نکته که آقای امین‌الاسلام رئیس انجمن به شخصه داوطلب بوده و از این عدول استفاده می‌کرده است وزارت داخله قضیه را تعقیب و دلایل صریحی برای موارد نقض قانون تقاضا می‌کند حکومت از انجمن خوی توضیح خواسته است انجمن از دادن جواب مستقیم خودداری می‌کند و اکثریت دون تردید امامی را

+++

تصدیق و نسبت دوم برای وزارت داخله موکول می‌کند و ضمناً پنج دلیل برای ابطال آراء ماکو ذکر کرده است وزارت داخله دوسیه عمل را به مجلس فرستاده و کمیسیون پس از ملاحظه به شرح ذیل اظهار عقیده می‌نماید:

انجمن مرکزی خوی به پنج دلیل آراء ماکو را پس از قرائت باطل کرده است دلایل پنج‌گانه هیچ یک موجب ابطال انتخابات نمی‌شود. اعتراض اول آن است که یکی از شعب فرعی ماکو زیاد بوده است و این مسئله مخالفتی با قانون ندارد و در نقاط دیگر نظایر زیاد داشته است عده شعب فرعی منوط به وسعت حوزه و کثرت جمعیت است و هر قدر برای رأی‌دهندگان تسهیل شود بهتر است.

اعتراض دوم این که انجمن فرعی اوایق نائب‌الحکومه محل را در تعیین هیئت رئیسه انجمن دخالت داده است اگرچه این امر برخلاف معمول است ولی با توجه به سادگی اهالی محل عدم اهمیت مطلب نیز معلوم می‌شود زیرا اگر حکومت می‌خواسته است اعمال نفوذ کند و انجمن به آن تن در می‌داد به سهولت امکان داشت که میل و اراده حکومت را در تحت صورت قانونی و بدون اشکال بیرون بیاورند. اعتراض سوم این که انجمن اوایق سه روز بیشتر از مدتی که انجمن مرکزی تعیین کرده تعرفه داده است اگر انجمن اتفاقاً از مدت کاسته بود و یک عده را از حق انتخاب محروم می‌کرد بیشتر مورد ایراد بود ولی در صورتی که از این عمل عده بیشتری موفق به دادن رأی شده‌اند خلاف قانون نمی‌توان شناخت و انگهی به وضعیات هر محل انجمن‌های محلی بهتر از انجمن مرکزی اطلاع دارند

اعتراض چهارم این که حمدالله خان ماکویی عضو انجمن توقیف شده است و عوض آن را که می‌بایست از اعضاء علی‌البدل معین شود از خارج انتخاب کرده‌اند این عمل برخلاف قانون واقع شده است ولی دخول یک نفر در انجمن که هشت نفر عضو اصلی آن باقی هستند نه تأثیری در اکثریت رأی انجمن داشته است و نه موجب ابطال رسمیت انجمن می‌شود و مخالفت و موافقت یک نفر در مقابل هشت نفر اثری نداشته است

اعتراض پنجم این که آراء شعب فرعی ماکو را در محل خود استخراج نکرده و صندوق را به ماکو آورده تحویل انجمن آنجا داده‌اند که درضمن آراء خود استخراج کرده‌اند و سستی این دلیل هم در اول نظر معلوم است و خواندن آراء انجمن‌های فرعی در یک نقطه معمول است و خواندن آراء انجمن‌های فرعی در یک نقطه معول و مجاز است. این بود اعتراضات قوی‌ای که انجمن مرکزی خوی برای ابطال آراء آنجا اظهار کرده است و البته تصدیق می‌فرمایند که این دلایل هیچ یک موجب ابطال آراء نمی‌شود اما راجع به آراء مردن که انجمن بعد از قرائت و تشخیص حائزین اکثریت به عنوان تأخیر ابطال آن را رأی داده است. پس از مراجعه به دلایلی که انجمن مردن اقامه نموده سبب این تأخیر فرستاده انجمن خوی بوده و به علاوه به ملاحظه پیش آمدن جشن تاجگذاری و تعطیل از طرف ایالت یک هفته تمام ادارات و انجمن و غیره را تعطیل کرده‌اند در این صورت ایرادی بر انجمن مردن وارد نیست و انگهی آیا ممکن نبود این ایراد را قبل از قرائت آراء بنمایند. به طور کلی از ملاحظه دوسیه و دلایل انجمن‌های فرعی ماکو و مردن این طور مفهوم می‌شود که ابطال آراء این دو نقطه خالی از نظرهای خصوصی نبوده است زیرا در غیر این صورت رئیس انجمن خوی موفق به داشتن اکثریت نمی‌شدند و دلیل قوی همین که آراء هر نقطه را پس از قرائت باطل کرده‌اند به علاوه معلوم می‌شود خود انجمن هم به قانونی بودن این تصمیم چندان مطمئن نبوده است زیرا قبل از این که اعتبارنامه آقای امامی را که حائز اکثریت بودند صادر نمایند انحلال خود را اعلام نمود و با وجود نهایت علاقه‌ای که به رعایت قانون داشتند چهارماه پس از انحلال به آقای امامی اعتبارنامه داده‌اند یا این مقدمات دیگر تردیدی

+++

باقی نمی‌ماند که آقای رجالی نماینده دوم خوی و ماکو و مردن خواهند بود.

پس از این که کمیسیون فرعی راپورت تحقیقات خود را به شعبه داد مصادف با انقضاء مدت شعبه شده و پس از تجدید شعبات مطلب به شعبه دوم رجوع گردید شعبه مزبوره و همان اقدامات شعبه ششم سابق را تجدید رسیدگی و تحقیق در دوسیه معلوم نماید. این کمیسیون نیز پس از مطالعات عمیق راپورتی به شعبه دوم مراجعه می‌شود این شعبه نیز پس از مذاکرات ابتدایی کمیسیون فرعی برای مطالعه

در محتویات دوسیه معین نموده این کمیسیون هم در مرتبه ثالث تحقیقات کامل به عمل آورده و چهار نفر از اعضاء کمیسیون فرعی به استثناء آقای فرشی با راپورت شعب سابق موافقت نمودند و چند جلسه هم در شعبه مذاکره شد و بالاخره در 25 بهمن شعبه با حضور دوازده نفر از اعضاء تشکیل و به اتفاق آراء نمایندگی آقای ابوالقاسم خان رجالی را از طرف خوی و ماکو و مرند و سلماس تصدیق می‌نماید.

میرزا یوسف خان عدل- آقای زوار. این وکیل عهد آزادی است

زوار- فرمایشی دارید؟ اگر فرمایشی دارید بفرمایید با حرفتان را پس بگیرید.

رئیس- آقای فرشی

حاجی میرزا آقا فرشی- بنده مخالفم

رئیس- می‌ماند برای جلسه بعد. راپورت شعبه پنجم راجع به اعتبارنامه آقای حاجی غلامحسین ملک‌التجار بهبهانی از شیراز قرائت می‌شود.

(آقای عراقی احضار شده راپورت شعبه پنجم را راجع باعتبارنامه آقای حاج غلامحسین ملک‌التجار بهبهانی به مضمون آتی قرائت نمودند)

شعبه پنج در تاریخ 17 امرداد به دوسیه انتخابات شیراز و توابع رسیدگی کرده در تاریخ 15 اسفندماه 1304 والی ایالت فارس مطابق ماده 14 قانون انتخابات از سی و شش نفر دعوت مدعوین از بین خود نه نفر برای عضویت اصلی نه نفر برای عضویت علی‌البدل انتخاب و پس از نشر اعلان در موعد مقرر شروع به دادن تعرفه و اخذ رأی نموده مطابق شرحی که در خبرهای سابق به عرض مجلس مقدس رسید در نتیجه قرائت آراء مأخوذه آقای حاجی غلامحسین ملک‌التجار بهبهانی به اکثریت 36018 رأی به نمایندگی دوره ششم مجلس شورای ملی انتخاب شدند شعبه پس از رسیدگی نمایندگی آقای حاجی غلامحسین را تصدیق و خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی می‌شود»

رئیس- رأی گرفته می‌شود به نمایندگی آقای ملک‌التجاره از شیراز آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس- تصویب شد

(لایحه تقدیمی از طرف وزیر عدلیه به شرح ذیل خوانده شد)

مقام مقدس مجلس شورای ملی شید الله ارکانه البتّه نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که افکار عامه و نظریات مجلس و تصمیم دولت همیشه متوجه اصلاحات قوه قضائیه بوده و تشکیلات موجوده را برای تأمین نظریه اصلاحی کافی نمی‌دانستند واضح است که اساس این اصلاحات مبتنی بر دو اصل است:

رفع نواقص قوانین که به موجب تجزیه و عمل مشهود گردیده و اصلاح تشکیلات عدلیه از حیث صلاحیت اشخاص با آن مقدمات یقین است که قبول مسئولیت امور عدلیه برای کسی که طالب تأمین این نظریه باشد کار آسانی نموده و مستلزم این خواهد بود که وزیر عدلیه

+++

نقشه برای اصلاحات اساسی در نظر بگیرد و برای اجرای آن آنچه را لازم می‌داند بکند و اختیاراتی را که ضروری می‌بیند از مجلس مقدس بخواهد با در نظر گرفتن این نکات و به امید این که چون نمایندگان محترم به اصلاح امور قضایی به اهمیت می‌دهند از هیچ قسم مساعدتی مضایقه نخواهند فرمود و نظر به این که اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام مأمورین و صاحب‌منصبان مؤسسات قضایی و اداری عدلیه محتاج به یک اصلاحات اساسی فوری است و تا این زمینه و در باب انتخاب اشخاص اختیاراتی که از طرف مجلس مقدس به وزیر مسئول داده نشود هیچ اصلاحی مقدور نخواهد شد ماده واحده ذیل با قید دو فوریت تقدیم می‌گردد:

ماده واحده- وزیر فعلی علیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذرد تا پس از آزمایش در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. کمیسیون‌های مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند، (مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده است به قوه خود باقی است)

تبصره- وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از این اشخاص دائر نماید. این اختیار برای مدت چهارماه از تصویب این قانون است.

رئیس‌الوزراء (حسن) وزیر عدلیه (داور)

رئیس- فوریت اول مطرح است. آقای بهبهانی

آقا میرزا سیداحمد بهبهانی- بنده از دو نقطه نظر به فوریت این لایحه مخالفم، یکی از آن دو نقطه نظر این است که این ماده واحده در نتیجه یک عملیاتی به مجلس آمده است که توافق آن عملیات و موافقت آن عملیات با اصول قانون اساسی و قوانین جاریه مملکتی احراز نشده بلکه تصور می‌شود برخلاف آنها است و حالا این یک مبحثی است البته ممکن است یک عده تصور کنند که مخالف نبوده است ولی البته وقتی موقع شد اصولی که در این باب ناطق به مخالفت است و موادی که ناطق به مخالفت است اظهار خواهد شد آن وقت هم البته نظر اکثریت حاکم است یک نظر دیگر بنده در مخالفت راجع به اهمیت است اینجا یک تشکیلاتی بوده است، این تشکیلات را روی یک نظریاتی که بنده نمی‌دانم چه مبدایی داشته به هم زده‌اند...

وزیر عدلیه- اصلاح

بهبهانی- آیا نظر اصلاح ملازم با انحلال می‌شود؟

حالا اگر در مواد صحبت شد البته عرایض طرفین گفته خواهد شد و آقایان هم حکمیت خواهند کرد علی‌العجله این ماده واحده چند چیز مهم دارد: یکی این است که می‌گوید پس از آزمایش به مجلس شورای ملی خواهد آمد البته تصدیق می‌فرمایند که اعراض و انفس مردم را نمی‌شود مورد امتحان قرار داد.

یاسایی- بیست سال امتحان کردند.

بهبهانی- شما در موقع خودتان بفرمایید. یک تشکیلاتی بوده است و آن تشکیلات به هم خورده و حالا می‌خواهند یک تشکیلات جدیدی بیاورند البته چنانچه یک وزیر عدلیه با یک هیئت دولتی می‌خواهد بگوید که من برحسب مسئولیت خودم یک نظریاتی دارم و به عنوان اصلاحات یک اقداماتی خواهم کرد البته وکیل هم یک نظریاتی دارد و باید در آن نظریات شرکت داشته باشد و عمیقانه درصحت و عدم صحت آن نگاه کند و عقاید خود را بگوید. پس این یک موضوعی است که نمی‌شود به این فوریت عنوان و طرح شود. یکی دیگر این است که می‌فرمایند: مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های

+++

فوق‌الذکر در ظرف چهارماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده به قوه خود باقی است. این کمیسیون‌ها در ظرف این چهارماه باید همه این تشکیلات و محاکمات و استخدام قضات و همه اینها را ترتیب بدهند. البته اگر آقای وزیر عدلیه نتوانند در اینجا عنوان کنند وجهه نظرشان روی چه قسمت است و چطور می‌خواهند تغییر بدهند البته در کمیسیون می‌توانند نظریات خودشان را اظهار کنند. و این قسمت بایک نظر توافقی از کمیسیون به مجلس بیاید اینهایی را که می‌خواهند تغییر بدهند. یک تشکیلاتی را که از روی یک فکرها و یک رویه‌ها و بلکه از روی امتحانات سایرین داده شده می‌گویند این تشکیلات غلط بوده است و باید به هم زد. یک کمیسیونی ولو این که مطلع هم

باشد در خارج بنشینند بدون این که نظریه از آقایان وکلای و نمایندگان جلب کنند یک تشکیلاتی بدهد یا این که یک قانون محاکماتی بنویسند این را در نظر اول بدون این که بالاخره معلوم شود آن نظریه را که می‌خواهند اتخاذ کنند چیست نمی‌شود عمل کرد.

عمادی - قید بصیر برای همین است. بصیر که می‌گویند برای همین است

بهبهانی - ماه مخودمان را بصیر می‌دانیم. البته هرکس در مرتبه خودش خود را بصیر می‌داند یکی دیگر قسمت آخر است. و از آن گذشته قانون استخدام و قانون محاکمات اصولی است مدونه و اینها همه یک ترتیبی است امتحان شده اگر بخواهند اینها را به هم بزنند البته سوابق استخدام مردم هم در این قضیه به هم می‌خورد و این به هم خوردن سوابق استخدام مردم موجب مخالفت با یک قانون استخدامی است علاوه بر این قسمت آخرش که می‌گوید آقای وزیر عدلیه یا کمیسیون مختار باشند از اشخاصی که سابقه دارند یا ندارند انتخاب بکنند. مدتی زحمت کشیده شده قانون استخدام نوشته شده حال این قانون استخدام را به چه موجب باید در این خصوص الغاء کنند و بعد یک اشخاص بی‌سابقه را بیاورند در یک محاکماتی که البته تصدیق می‌کنید سابقه لازم دارد؟ محاکمه از چیزهایی است که سابقه لازم دارد یک اشخاص بی‌سابقه را بیاورند اعراض و اموال و انفس مردم را به دست آنها بدهند صحیح نیست به این جهت بنده با فوریتش مخالفم و تصور می‌کنم که آقایان هم موافقت بکنند که این ماده واحده به کمیسیون عدلیه برود و در آنجا آقایان مذاکراتی را که لازم است در این قضیه بکنند و راه نظر و ترتیبی را که در نظر دارند آقای وزیر عدلیه برای اصلاح این امور در نظر بگیرند و بعد بیاورند به مجلس و اگر یک روز دو روز یک هفته هم این کار به تأخیر بیفتد بعد از این قضایایی که واقع شده چندان اهمیت ندارد.

وزیر عدلیه - بیاناتی که از برای به تأخیر انداختن یا به کمیسیون فرستادن فرمودند چند قسمت داشت یکی این بود که این لایحه در دنباله یک عملیاتی به مجلس آمده است که آن عملیات به نظر نماینده محترم مخالفت با اصول قانون اساسی داشته است. اگر اشاره به این مسئله نکرده بودند و در مجلس صحبت این نشده بود که یک وزیری یکی کاری کرده است برخلاف قانون اساسی البته وارد در مذاکره آن عملیات ولو به طور اجمال نمی‌شدم ولی البته خود نماینده محترم به بنده حق خواهند داد که وقتی یک چنین عبارتی را فرمودند بنده از عمل برای این که هیچ اشتباهی به کسی نشود از عملی که از روی یک نیت پاکی کرده‌ام (بعضی از نمایندگان - صحیح است) مدافعه کرده باشم چند کلمه عرض کنم...

بهبهانی - دلیل می‌خواهد

وزیر عدلیه - با دلیل عرض می‌کنم. اولاً اگر در نظر آقا باشد قانون اساسی اظهار نمی‌کند که باید حکماً فلان قدر محکمه باشد فلان قدر تشکیلات باشد این تشکیلات را نمی‌شود کم و زیاد کرد می‌گوید قاضی را نمی‌شود منفصل کرد مگر به حکم قانون. بنده کاری که کرده‌ام عبارت بوده است از انحلال تشکیلات عدلیه یک شهر. کاری است که

+++

مکرر در این مملکت سابقه داشتند با این که عده محاکم را کم و زیاد کرده‌اند با این که اصلاً تشکیلات یک شهری را منحل کرده‌اند فقط در اینجا یک مسئله هست که باید آن را عرض کنم و زود هم از این قسمت بگذرم (چون با ارادتی که خود آقا می‌دانند بنده به ایشان دارم البته نمی‌خواهم در این قضایا وارد یک مباحثاتی بشوم که خیلی طولانی بشود) و آن این است که فرمودند نمی‌دانم از روی چه نظری این کار شده. غرض را از مردم بپرسید. از همه بپرسید. از هر کسی که می‌خواهید بپرسید. از این شهر بپرسید.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

بهبهانی - ولو مردم موافق باشند جهت قانونی لازم دارد.

وزیر عدلیه - بنده با اطلاع خودتان به شهادت خودتان میل نداشتم وزیر عدلیه بشوم. بنده تمام این مسائل و مسائلی را که ممکن است بعد پیش بیاید پیش‌بینی می‌کردم بنده می‌دانستم این عدلیه که از اول مشروطیت که مردم آمدند خواستند کاری بکنند و پدر محترم شما بانی آن

بود برای این بود که عدالتخانه درست کنند همین مشروطیت از روزی که آمد و پایه عدالتخانه را خواست به زمین بگذارد از آن روز تا به حال یک تشکیلاتی شد و کارها به یک ترتیبی شد و امور به یک شکلی جریان پیدا کرد که مردم ناراضی و همه مأیوس و همه بدبخت و بیچاره شدند

بعضی از نمایندگان- صحیح است

و با وجود اینها بنده می‌دیدم همین طور می‌ماند خوب چرا می‌ماند؟

یک چیزی را که همه برخلاف آن بودند چطور باقی مانده؟

برای این که بنده می‌دانستم یک اشخاص مؤثر و یک اشخاص متنفذ از آن اساس تقویت می‌کنند حمایت می‌کنند وای به حال آن کسی که تهور به خرج بدهد و دست به آن اساس بزند بنده اینها را می‌دانستم به همین جهت بود که بنده نمی‌خواستم وارد این کار بشوم بالاخره عجالتاً کاری است شده آن روز که بنده این کار را قبول کردم بیه همه صحبت‌ها همه تهمت‌ها همه حرف‌ها همه مخالفت‌ها و همه چیزهایی را که ممکن است دنباله آنها بیاید به تن خودم مالیدم.

عمادی- هیچ تهمتی نیست

وزیر عدلیه- بنده نشستم. فکر کردم و راهی برای اصلاح این قوه و ترتیب این دستگاه ندیدم مگر این که اساساً بگویم عجالتاً این تشکیلات منحل و روی یک اساس دیگری یک بنایی بگذاریم و مدعی هستم که اگر سنک جلو پای بنده انداخته نشود.

اگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم با بنده مخالفت نشود اگر با یک روح صمیمانه زیر بال این کسی که آمده است و یک چنین مسئولیتی را روی دوش خودش گذاشته است بگیرند اگر با فکر اصلاح کمک بشود بنده مدعی هستم که آن وقت به اندازه که مصالح موجوده در این مملکت اجازه می‌دهد به اندازه که هرکس نگاه کند بگوید بهتر از این نمی‌شد ساخت، چون خدای من شاهد است و به هر چه تصور کنید پیش من مقدس است من با یک نیت پاکی می‌خواهم یک کاری کنم نه نظر خصومت است و نه ملاحظه از هیچ کس و می‌خواهم یک کاری کرده باشم که هم به مملکت خدمت کرده باشم و اگر بتوانم بلکه نظر شخصی‌ام این است که یک نیکنامی هم از برای خودم تحصیل کرده باشم و این نظری بود که بنده را وادار به این کار کرد و پیش از این آزمایش و امتحان در عمل به مجلس پیشنهاد می‌شود و صحبت کردند از مسئله تشکیلات که خوب که خوب چندین سال تجربه شده حالا تازه بگویند بد است؟ بلکه بنده می‌خواهم این کفر را بگویم و بگویم این تشکیلات غلط است سر من را باید برید؟ می‌فرمایند بعد از چند سال تجربه می‌گویند غلط است. بلی بعد از تجربه معلوم شده است که غلط است اگر از اول معلوم بود غلط است که این کار را

+++

نمی‌کردند پس از چند سال تجزیه معلوم شده است که این تشکیلات با اوضاع و احوال مملکت ما تناسب درستی ندارد. اما این که فرمودند اموال مردم را نمی‌شود مورد آزمایش قرار داد اموال مردم مورد خیلی چیزهای دیگر گذاشته شده است و ما نباید تا به حال گذاشته باشیم. به علاوه اینها قسمت‌هایی است که باید در خود ماده داخل این مذاکرات شد و راجع به فوریت نیست و به عقیده بنده بیش از این راجع به این قسمت نباید صحبت کرد می‌فرمایند مسئله مهم است و باید بروید به کمیسیون عدلیه و در آنجا مشاور شود. بنده هم کاملاً تصدیق دارم مسئله مهم است ولی بدبختانه ناچارم از آقا خواهش مرا نخواهند پذیرفت و همچنین از سایر آقایان که امروز دو فوریت را تصویب بفرمایند به جهت این که امروز باید این کار بگذرد و معلوم شود که باید یک کاری به این عدلیه دارند این دستگاه بسته. مردم هم معطل تا این مسئله بروید به کمیسیون و جلسه کمیسیون اکثریت پیدا نکند یا نکند. چه بشود خلاصه یک ماه دو ماه طول بکشد و بنده هم مسئول این وضعیات باشم آن وقت بگویند (این بود) خوب معلوم است. بنده هم نمی‌توانم این ترتیب را قبول کنم و تمنی می‌کنم از آقایان که

مذاکرات در این خصوص را بیش از این طول ندهند و لطف بفرمایند و همین امروز رأی بدهند و مجلس در این موضوع تکلیف را معین کند و امیدوار هستم که اگر آقایان موافقت بفرمایند کاری بکنم که اسباب بی‌آبرویی خود نباشد.

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب- بنده مخالفم.

رئیس- نسبت به کفایت مذاکرات مخالفید؟

آقا سید یعقوب- بلی

رئیس- بفرمایید

آقا سید یعقوب- بنده چون اجازه ندارم وارد در اصل مسئله بشوم ولی صبح هم خدمت آقای وزیر عدلیه عرض کردم که بنده خودم را حقیقتاً سرپل صراط می‌بینم این مسئله واقعا کار مشکل و سختی است ولی بنده خواستم در اطراف این موضوع صحبت بشود و مخالف و موافق بیشتر از این صحبت بدارند که زمینه مطلب در دست بیاید و معلوم شود که چه نظریاتی است و به محض این که یک نفر مخالف اظهاری کرد و آقای وزیر عدلیه هم صحبت کردند نگوییم مذاکرات کافی است.

عمادی- در اصل ماده مخالفتتان را بفرمایید.

رئیس- رأی گرفته می‌شود به کفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- اکثریت است. پیشنهاد شده است که به فوریت قسم اول با ورقه رأی بگیریم.

(دو فقره پیشنهاد به شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم راجع به فوریت اول با ورقه اخذ رأی شود. شریعت‌زاده. دکتر سنک. دادگر و حائری‌زاده. دیوان‌بیبی
رئیس- رأی گرفته می‌شود با اوراق به فوریت قسم او یعنی یک شوری. آقایانی که به تصویب کنند. اوراق سفید خواهند داد و کسانی که رد می‌کنند اوراق کبود (اخذ آراء به عمل آمده نتیجه ترتیب ذیل حاصل گردید)

ورقه سفید علامت قبول 69 ورقه کبود علامت رد 3

رئیس- عده حضار صد و یک با شصت و نه رأی تصویب شد فوریت قسم دوم مطرح است. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب- خود مجلس شاهد است که در این مسئله راجع به اوضاع مختل عدلیه بنده شرح مفصلی در

+++

اینجا عرض کردم و حقیقتاً در موضوع ترتیبات عدلیه به اندازه آن روز صحبت کردم که بعضی از نمایندگان محترم در اینجا به بنده نوشته بودند که راجع به محاکم صحبت نکنید که شاید بعضی چیزها واقع نشود. ولی بینی و بین الله از هر حیث باعث نگرانی بود و از آن طرف هم چون بنده سابقه ارادت با آقای داور (وزیر عدلیه) دارم و در دوره چهارم و پنجم هم مخصوصاً در یک فراکسیون بودیم نظر ایشان را بینی و بین الله تصدیق می‌کنم و حقیقتاً خودم را در این موضوع متحیر می‌دانم و قلب بنده می‌لرزد که الان مجلس یک رأی به یک ماده که آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کرده‌اند بدهد و این ماده مطرح شود و از مجلس بگذرد و بینی و بین الله از یک بفعه خواند بنده درست ملتفت نشدم. طبع و توزیع هم که نشده و این لایحه‌ای که دادند خطی بود و لایحه را بنده ندیده‌ام و حقیقتاً نمی‌دانم این ماده به چه ترتیب تنظیم شده و اختیارات تاجه اندازه است و مطلب چیست؟ و حقیقتاً بنده یکی از کارهای خیلی اساسی و واجب می‌دانم که قوه قضائیه ما بهتر و اکمل و بالاتر از این بشود که بیشتر از این عدلیه ما مورد حمله واقع نشود و بیش از این هم مورد طعن و ضرب مردم واقع نشویم. بنده این را فوز عظیم می‌دانم و امیدوارم آقای داور وزیر عدلیه موفق بشود که یک خدماتی بکند ولی این جور طرح آوردن را گمان نمی‌کنم صورت خوبی داشته باشد و تصور می‌کنم خود آقای وزیر عدلیه هم با بنده موافقت بکنند و از اکثریت مجلس هم که هم هاش

پی در پی تصدیق می‌کنند بنده تقاضا می‌کنم که این جور نباشند یک طرحی یا یک لایحه‌ای آمده است به مجلس درست است که یک بنایی خراب است بنده هم تصدیق می‌کنم که این بنا به قدری خراب است که فوق او تصور نمی‌شود ولی مملکتی که شوروی واقع شد برای چیست؟ اگر مملکت استبدادی است به امر یک نفر تمام زیر و زیر بشود ولی مملکت شوروی است برای این که مسئله را بیشتر تحت شور قرار بدهیم. بنده اگر بخواهیم عرض بکنم می‌گویند یک نفر است و مخالف است بله مخالف ولی مجلس که کاملاً باید وزیر عدلیه موافقت دارد و می‌خواهد از او تقویت کند بنده هم این وزیر عدلیه را آدم بی‌غرض می‌دانم و میل هم دارد یک خدماتی بکند ولی میل دارم که این لایحه تحت شور بیاید و لااقل طبع و توزیع بشود و تا روز یکشنبه مجالی باشد که در آن مطالعه بشود زیرا حقیقتاً بنده ماده را ندیده‌ام فقط آقای امیرتیمور یک دفعه ماده را خواندند و چون حکومت شوروی است الله خوب است صبر کنند. بنده نمی‌خواهم به دولت حمله کنم فقط درد کار را عرض می‌کنم. قوه قضایی است جوانی آمده و دامن همت بر کمر زده و می‌خواهد این قوه قضائیه را درست کند و بنده هم می‌خواهم در این عقیده شریک ایشان باشم ولی عرض می‌کنم که این ماده را خوب است طبع و توزیع کنند و برای روز یکشنبه مطرح شود تا با بصیرت تام همه‌مان در رأی دادن شریک باشیم.

دکتر سنگ- سوادش را خدمتتان می‌فرستیم

آقا سید یعقوب- آقا اجازه بدهید بنده عرض خود را بکنم صحبت شما همان آرای است که همیشه می‌دهید و بر من غلبه دارید. بنده عرض می‌کنم به طوری که خودتان هم تصدیق دارید. بنده عرض می‌کنم به طوری که خودتان هم تصدیق دارید یک مردی وارد میدان مبارزه شده است این میدان مبارزه بزرگی است و حقیقتاً کار مشکلی است و این شخص پشتیبان لازم دارد و پشتیبانان او رأی می‌دهند ولی مقصود این است که طوری نباشد که فردا او را متزلزل کنند. بنده وقتی که رأی بدهم دیگر ممکن نیست اگر سرم را ببرند از رأی خودم برگردم بنده صبح رأی نمی‌دهم و عصری برگردم بنده می‌خواهم با بصیرت و مطالعه این کار بگذرد و در اصلاح عدلیه شریک داور باشم از این جهت تقاضا دارم که اکثریت مجلس موافقت بفرمایند با این استدعای من که این لایحه طبع و توزیع شود و برای روز یکشنبه مطرح شود که ما هم که مخالف هستیم شاید

+++

بتوانیم در این موضوع موافقت کنیم.

این بود عرایض بنده چون اینها یک مسائلی است که حقیقتاً مهم است و محتاج به نظر کردن است و این ماده و تبصره را یک دفعه قرائت کردن مطلب حل نمی‌شود. حکومت حکومت شوروی است و نظر اکثریت در امور شرط است. بنده به هیچ وجه مخالف با اصلاح عدلیه نیستم خدا کند یک همچو روزی را که عدلیه اصلاح شود ببینم. معروف است گفتند کور از خدا چه می‌خواهد گفت: دو چشم روشن البته عدلیه باید خوب باشد تا در اینجا بنده با آقای رئیس‌الوزراء بگویم آقا دنیا کاپیتولاسیون داشته باشیم؟ بنده اینجا فریاد خواهم زد و خواهم خواست همین طور که چینی‌ها به ضرب شمشیر کاپیتولاسیون را پایمال کردند و ما هم باید از بین ببریم. ما تا کی باید دچار این ننگ باشیم و تا کی باید ایران دچار این ننگ باشد که قضاوت خارجه در مملکت ما باشد که قضاوت خارجه در مملکت ما باشد بنده از خدا می‌خواهم که یک روزی عدلیه اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان- صحیح است

وزیر عدلیه- بدون تعارف بنده می‌خواهم نسبت به سهم خودم از آقای آقا سید یعقوب تشکر کنم واقعا این قبیل مذاکرات تنها چیزی است که علاوه بر اراده و فکر خودم آدم ممکن است شخص را تشویق بکند و کمک بکند که یک راهی را که انسان می‌خواهد برود او را تعقیب و دنبال بکند و البته از سابقه ایشان در آزادی خواهی غیر از این چیزها انتظار نباید داشت. بنده هم در اساس قضیه که فرمودند باید مشورت و مطالعه کرد حرفی ندارم ولی از طرف دیگر با آن ملاحظه‌ای که بنده می‌کنم می‌خواهم از ایشان خواهش کنم و این ورقه را

که موجود است الان خدمتشان خواهم داد تا او را درست ملاحظه بفرمایند و با آن هوش تندی که ایشان دارند همچین در سطری که اینجا است الان ممکن است ملاحظه بفرمایند سایر آقایان هم که مطالعه فرموده‌اند بگذارند همین امروز تکلیف این قضیه معلوم شود.

رئیس- آقای یاسایی

یاسایی- موافقم

رئیس- آقای افسر

افسر- بنده توضیحی می‌خواهم اجازه می‌فرمایید؟

رئیس- راجع به فوریت است

افسر- بلی بنده ماده را درست ملتفت نشدم توضیحی می‌خواهم

رئیس- دخالت در فوریت دارد

افسر- بلی دخالت در رأی بنده نسبت به فوریت دارد

رئیس- بفرمایید

افسر- در اینجا که نوشته شده است مستخدمین تازه خواهند آورد هیچ اشاره نشده است که با مستخدمین سابق چه خواهند کرد، دیگر این که این قانون را که می‌خواهند در آن آزمایش کنند استیناف و تمیز خواهد داشت یانه محکمه ساده خواهد بود؟ خوب است اجمالاً یک توضیحی بدهند که مرا مستحضر فرمایند چون اگر این طور باشد بنده فوری نمی‌دانم و عقیده‌ام این است که باید دو شور بشود و به کمیسیون هم برود و اگر غیر از این باشد بنده هم موافقم.

رئیس- گمان نمی‌کنم این مسئله در فوریت مداخله داشته باشد.

آقای یاسایی

یاسایی- سوالاتی را که آقای افسر فرمودند چند قسمت بود یکی این که این اشخاصی را که بدون سابقه دعوت می‌کنند آن اشخاص سابق را چه خواهند کرد؟ بعد از مسابقه و امتحان البته اگر اشخاص سابق به درد

+++

قضاوت خوردند که می‌مانند و آلا در قسمت‌های اداری عدلیه مشغول خدمت خواهند شد. شغل منحصر به تشکیلات قضایی و محکمه نیست. ما مخصوصاً پارک‌ها و مستنطقین را قاضی نشناختیم. شعبه‌های ثبت اسناد داریم. کارها و ادارات دیگر است که ممکن است با آنها آن کارها را بدهند قسمت دیگر که فرمودند این بود که در تشکیلات محاکمی که می‌دهند استیناف و تمیز دارد یا خیر این مسئله در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و یک ماده صریحاً هست که در مرکز ایالات محاکم استیناف تشکیل می‌شود این بدیهی است. منتهی تشکیلات بسیط‌تر خواهد بود مثلاً الان محکمه استیناف چهار تا عضو دارد در آتیه شاید کمتر از چهار عضو بشود الان در تهران چهار پنج محکمه است. آن وقت شاید یکی برود کرمانشاه و یکی برود به بوشهر و از این قبیل اصلاحات و جرح و تعدیل‌ها بشود. زمینه و متن مطلب همان است و منتهی یک اصلاحاتی که به نفع مردم خواهد بود به عمل خواهد آمد یک مسئله دیگر که آقای آقا سید یعقوب فرمودند (و بنده هم از ایشان تشکر می‌کنم و همه فرمایشاتشان هم موافقت بود) راجه به این که حکومت شوروی است. باید خدمتتان عرض کنم که اگر این لایحه (یعنی ماده واحده) را بخوانند ملاحظه خواهند فرمود که در آنجا مخصوصاً قید شده است: کمیسیون‌هایی تشکیل می‌شود و همین یعنی شوروی است. یعنی به شور اشخاص بصیر یک کمیسیون‌هایی برای اصلاح قانون محاکمات و برای اصلاح قانون تشکیلات عدلیه و برای قانون استخدام قضات معین می‌شود یک کمیسیون برای اصلاح قانون محاکمات. یکی برای اصلاح قانون تشکیلات و یک

کمیسیون برای قانون استخدام قضات و این سه چهار کمیسیون می‌نشینند و اصلاحاتی که در قوانین لازم است می‌کنند و انشاءالله موافقتی در کار حاصل می‌شود و هیچ نگرانی هم ندارد.

بعضی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.

بهبهانی- بنده مخالفم.

رئیس- با کفایت مذاکرات مخالفید؟ بفرمایید.

بهبهانی- به نظر بنده مطلب خیلی مهم‌تر از آن است که با یک مذاکرات جزئی درش رأی داده شود. بالاخره یک ماده را که فقط یک نفر از وزرای آقای آقا سید یعقوب دادند و سایر آقایان نمایندگان هیچ ندیده‌اند. نسجیده‌اند. مجلس در یک همچو مسئله که بالاخره زیرو رو کردن یک عدلیه که مرجع امور مملکت است می‌خواهد دخالت بکند و یک رأی بدهد بنده تصور می‌کنم بهتر این است که اکثریت اقلأ اجازه بدهند که مخالفین حرف‌های خودشان را بزنند و به عقیده بنده این طور که یک نفر موافق و یک نفر مخالف حرف بزنند و رأی گرفته شود کار خوبی نیست.

رئیس- رأی گرفته می‌شود به کفایت مذاکرات (اکثر برخاستند)

رئیس- تصویب شد. پیشنهاد شده است با ورقه رأی گرفته شود قرائت می‌شود.

(دو فقره پیشنهاد به شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم که به فوریت دوم رأی با ورقه گرفته شود. نوبخت- جوانشیر- حائری‌زاده- فرشی

پیشنهاد می‌کنم راجع به فوریت ثانی با ورقه اخذ رأی شود. شریعت‌زاده- دکتر سنک- دادگر- دیوان‌بیگی- حائری‌زاده

رئیس- آقای دکتر مصدق

دکتر محمد خان مصدق- بنده در اصل موضوع عرض داشتم

رئیس- در موقعش اشاره خواهید فرمود. رأی گرفته می‌شود به فوریت قسمت دوم با ورقه. آقایانی که موافقت اوراق سفید خواهند داد.

(اخذ استخراج آراء به عمل آمده نتیجه به قرار ذیل حاصل شد)

+++

اوراق سفید علامت قبول 73 ورقه کیود علامت رد 3

رئیس- عده حضار 99 با اکثریت 73 رأی تصویب شد

اصل ماده مطرح است. ماده واحده قرائت می‌شود (به شرح آتی قرائت شد)

ماده واحده- وزیر فعلی عدلیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌های مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

کمیسیون‌های مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل میشوند (مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده بقوه خود باقی است)

تبصره- وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برا مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر نماید.

این اعتبار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است

رئیس الوزراء. حسن وزیر عدلیه- داور

رئیس- آقای بهبهانی

بهبهانی- مذاکراتی که اینجا می‌شود در ترتیب این قانون و فوریت این قانون و ضمناً تصدیق عملیات سابقه هم می‌شود. اینها روی اصل اصلاحات است و البته این مطلب مسلم است چنانچه همه آقایان هم شاید موافق باشند که عدلیه محتاج به یک اصلاحاتی است و بنده هم در این باب مخالف نبودم و کاملاً معتقدم که عدلیه محتاج به یک اصلاحاتی است ولی اختلاف نظر در طریق اصلاح است. آقای وزیر عدلیه می‌فرمایند این اصلاح را اصلاح دانستم و کردم به ملاحظه این که مردم تصدیق می‌کردند به این که عدلیه اصلاح لازم دارد. بنده هم تصدیق می‌کنم و مردم هم تصدیق می‌کنند به این که باید عدلیه اصلاح شود ولی باید قوانین موضوعه و اصول قانون اساسی را در نظر داشت که راه اصلاح عدلیه به وسیله انحلال عدلیه است! یا اصلاح عدلیه باید به موجب قانون و ترتیبات قانونی بشود؟ فقط خواستن بنده یا مردم یا وزیر عدلیه کافی نیست برای انحلال عدلیه چرا؟ برای این که بنده تصور می‌کنم انحلال عدلیه موجب قانونی می‌خواهد و علاوه بر این که در قوانین جاریه هیچ به آن موجب اشاره نشده یک اصولی از قانون اساسی و یک موادی از مواد قوانین جاریه را من برخلاف این انحلال می‌دانم. اگر بنا بود که فقط خواستن مردم با محتاج بودن به اصلاحات کافی باشد البته تصدیق می‌کنند بعد از آن که مردن اعلیحضرت پهلوی را خواستند ممکن بود بدون آن که تشکیل مجلس مؤسسان بشود و نظر حافظه و نظر حفظی نسبت به قانون داشته باشند بگویند من شام داعی نبود که این همه ترتیبات قرار بدهند، این همه زحمات که کشیده شد برای این بود که قانون دست نخورد. قانون اساسی یک قانونی است که همه ما ها ملتزم شده‌ایم شرعاً و عرفاً به حفظ آن. البته تصدیق می‌کنند که عدلیه یکی از اساس و اجزاء اساسی مشروطیت است اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست انحلال عدلیه تعطیل یک قوه از قوای مملکتی است. انحلال عدلیه تعطیل اساس مشروطیت است و این که آقایان اینجا نسبت می‌دهند و می‌گویند این مسئله سابقه دارد. بنده تصور می‌کنم هر سابقه که برخلاف اصول قانون اساسی باشد یا برخلاف ماده از مواد قوانین جاریه باشد برخلاف است و مشروعبیت قانونی ندارد و مادام که این قوانین به قوت خود باقی هستند نمی‌توان اساس مشروطیت را متزلزل و تعطیل کرد. اساس مشروطیت برحسب مواد قانون اساسی که همه ماها به حفظ آن قسم خورده‌ایم جزء و کلاً تعطیل بردار نیست چه برسد به این که منحل شود. البته تصدیق می‌فرمایند که

+++

انحلال بالاتر از تعطیل است این اولاً و ثانیاً این که فرق است بین ولایات و مرکز. اگر در یک چایی عدلیه موافق قانون یا مخالف قانون تعطیل شده باشد این مربوط به مرکز نیست..

عمادی- ولایات با مرکز چه فرقی دارد!

بهبهانی- دارم عرض می‌کنم. اگر اجازه بفرمایید عرضم را بکنم ممکن است بعد تصدیق یا تکذیب بفرمایید اولاً اگر عدلیه یک جایی را منحل بکنند یا این که تعطیل نمایند جلوی محاکمات مردم و مرجعیت مردم گرفته نمی‌شود چرا؟ برای این که برحسب قوانین جاریه می‌توانند دعاوی و تظلمات که دارند به عدلیه نزدیکتر رجوع کنند ولی در مرکز این طور نیست. وقتی عدلیه مرکز را از بین بردند جمع محاکم عدلیه از استیناف و تمیز و ابتدایی و صلحیه از بین می‌رود. اساس مشروطیت یک پایه بزرگش روی قضاوت و قوه قضائیه است و در عرض دو قوه دیگر است و حاکم بر دولت و بر وزرا است وقتی این قوه از بین رفت آن وقت آن ماده از قانون اساسی که می‌گوید: اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست معنی چیست؟ از آن طرف فرق است بین تعطیل عدلیه یک جایی و انحلال عدلیه. چون گاهی شنیده می‌شود که می‌گویند روزهای تعطیلی چطور عدلیه نیست؟ ممکن است چند روز عدلیه تعطیل باشد. این صحیح است اما تعطیل غیر از انحلال است فرق این جا است که یک مدعی عمومی محکمه دیوان عالی تمیز ولو این که تعطیل هم بشود در موقع تعطیل هم حق دخالت در کار دارد. شب هم که مدعی‌العموم توی رختخوابش می‌خوابد مدعی‌العموم است روز هم که توی محکمه می‌آید می‌نشیند مدعی‌العموم است، پس اگر یک جایی جنبه یا جنایتی اتفاق بیفتد ولو این که عدلیه هم تعطیل باشد مدعی‌العموم می‌تواند دخالت کند ولی وقتی که عدلیه منحل شد این حیثیت از او گرفته می‌شود اینجا است که اساس مشروطیت تعطیل شده است در قانون یک اقتدار

برای هیئت مقننه و هیئت قضائیه و هیئت مجریه قائل شده‌اند و البته آقایان تصدیق می‌فرمایند که قواء و استقلال و حاکمیت قوه مقننه بالاتر از دو قوه دیگر است و بعد از آن یک استقلال و حاکمیتی برای قوه قضائیه هست. چرا این دو قوه را به این درجه اختیار داده‌اند؟ در روزی که این قانون نوشته شده است یک قوم و خویش و یک سابقه با اعضاء عدلیه یا با وکلاء مجلس که نداشته‌اند! این اقتدار لازمه این دو قوه بوده است. برای این که قوه مقننه باید من جمیع جهات و حیثیات آزاد باشد تا بتواند عقاید خودش را آزادانه بگوید. قوه قضائیه هم در قسمت محاکمات مردم و حکومتی که می‌کند شریک است با او. پس قوه قضائیه باید به جمیع الجهات آزاد و مستقل باشد و اگر ملاحظه بفرمایید چه در قانون اساسی و چه در قوانین جاریه یک استقلال فوق‌العاده برای این دو قوه قائل شده‌اند که آن استقلالی که برای این دو قوه است برای قوه مجریه نیست. بلکه قوه قضائیه را حاکم قرار داده‌اند بر قوه مجریه و قوه مجریه این حکومت را به قوه قضائیه ندارد و نباید هم داشته باشد برای این که قوه قضائیه باید آزاد باشد زیرا اگر یک قاضی بترسد از این که اگر من بر وفق نظر خودم آزادانه عقیده خود را بگویم مورد نظر فلان وزیر یا فلان بالاتر یا فلان هیئت دولت واقع می‌شوم هرگز نمی‌تواند به رویه آزادی در حقوق مردم فصل خصومت کند. بلی بنده هم می‌خواهم عرض کنم که قوه قضائیه باید اصلاح شود ولی البته آقایان در نظر دارند که در قوانین جاریه برای اصلاح قوه قضائیه یک پیش‌بینی‌هایی شده است و بهتر است که آقای وزیر عدلیه یا هیئت دولت حاضره به طریق قانون جلوی این بی‌قانونی را می‌گیرند. اولاً محکمه انتظامی بود. ممکن است آقای وزیر عدلیه بفرمایند این محکمه انتظامی فایده نداشت و اجزایش خوب نبودند بسیار خوب این اعمال قوه که در مسئله انحلال عدلیه کرده‌اند این اعمال قوه را در انحلال محکمه انتظامی

+++

می‌کردند و محکمه انتظامی صحیحی تشکیل می‌دادند و هر یک از قضات و اشخاصی که مظنون و متهم بودند در تحت محاکمه می‌کشیدند و به حکم محکمه و قانون آنها را منفصل می‌کردند که دیگر جای حرف هم باقی نباشد.

عمادی- دو سال طول می‌کشید.

بهبهانی- هر چقدر هم طول بکشد باید حفظ اصول قوانین را کرد. باید قانون اساسی را که ما برای حفظ آن قسم خورده‌ایم تعطیل و نقض نشود.

بعضی از نمایندگان- نقض نشده است.

بهبهانی- اشتباه می‌کنید! اساس مشروطیت که جزاً و کلاً تعطیل‌بردار نیست چیست؟ اساس مشروطیت سه قوه است: قوه قضایی، قوه مقننه، قوه مجریه و در حکومت مشروطه برحسب قانون این سه قوه را در عرض همدیگر تأسیس کرده منتهی قوه مقننه را بالمباشره افراد ملت تشخیص می‌کند. رأی می‌دهند، رأی می‌گیرند آراء خوانده می‌شود و هرکس اکثریت داشت وکیل می‌شود و به این قوه مقننه اجازه داده شده است که قوه قضائیه تشکیل کند از راه تدوین مواد قانونی که آن مواد قوه قضائیه را تشکیل می‌دهد و بالاخره هیئت مجریه را هم قوه مقننه تشکیل می‌دهد و در هر حال این سه قوه در عرض هم می‌باشند و اساس مشروطیت که جزاً و کلاً تعطیل‌بردار نیست عبارت از این سه قوه است و لا غیره. پس همان طور که عرض کردم بهتر این بود که آقای وزیر عدلیه بیایند و وارد شوند در این که اصلاحات این قضایا را به طور قانون و از راه قانون بکنند. اولاً محکمه انتظامی تشکیل بشود ثانیاً محکمه انتظامی را کافی نمی‌دانستند و نظری در تشکیلات داشتند یک قوانین برای تشکیلات جدید چنانچه در نظرشان هست می‌آوردند به مجلس و مجلس هم همان طوری که می‌بینید عاشقانه چیزی را که در نظر گرفته‌اند اصلاح عدلیه است و سایر چیزها را فراموش کرده‌اند ممکن بود در آن موقع هر دو جهت را در نظر بگیرند و آقای وزیر عدلیه موافقت بکنند با دولتی که طرف اعتماد مجلس است موافقت بکنند و آن قوانین را که می‌آوردند می‌گذرانند آن وقت یک بنای غیر صحیحی را (که بنده هم تصدیق دارم) خراب می‌کردند و این بنای صحیح را به جایش درست می‌کردند آن را برمی‌داشتند و این را به جایش می‌گذارند می‌گویند بنای عدلیه خراب بود من هم تصدیق دارم و تصدیق بنده هم این است که محتاج

به اصلاحات بود تصدیق ایشان هم روی همین قسمت است که محتاج به اصلاح بود ولی بنای عدلیه، یک بنای خرابی را یک بنای ناصحیحی را، یک بنایی که علی‌العجله یک اساسی دارد و یک کاری می‌کند آن بنا را برداشته‌اند و به انتظار یک امر موهومی که هیچ نمی‌شود تصور کرد آن بنایی که ایشان می‌سازند بعد از امتحان چطور در می‌آید و اساساً تصور نمی‌کنم آن بنا از روی یک نظر بی‌طرفی ساخته شود. چون نمی‌دانم از این اشخاص صالح که ایشان در نظر دارند که را قصد کرده‌اند و که را خواهند آورد و اشخاص صالحی را که ایشان در نظر دارند شاید در مجلس شورای ملی نمی‌توانند بگویند بنده پیشنهاد کردم که برود به کمیسیون چون در کمیسیون می‌توانند اشخاصی را بگویند و در کمیسیون ممکن بود نظر و خیال خودشان را بگویند. اشخاص صالح ممکن است یک عده‌ای به نظر بنده بیاید و به نظر ایشان یک اشخاص دیگری و هر فرد از آقایان نمایندگان ممکن است کسانی در نظرشان صالح باشند و بالاخره بنده نمی‌دانم این اساس نیمه کاره را که برداشتند با امیدواری کدام اساس مستحکم محکمی ما رأی بدهیم. البته آقایان تصدیق خواهند کرد که وقتی که یک منزلی خرابه باشد ولی قابل سکونت باشد و فی‌الجمله قابل حفظ اموال باشد نباید آن را خراب بکنند در صورتی که هیچ چیزی را هنوز به جای آن در نظر نگرفته‌اند و می‌خواهند فکر بکنند که چه چیزی را جای آن بگذارند و برحسب تصدیق خودشان به موجب همین شرحی که در ماده واحده نوشته‌اند هیچ نمی

+++

توانند تصدیق کنند که آن موادی را که می‌نویسند یا تشکیلاتی را که می‌دهند بهتر از این تشکیلات باشد زیرا می‌نویسند: ما آزمایش می‌کنیم و بعد از آزمایش به مجلس می‌آوریم... این معلوم است اگر آزمایش کردند..

عمادی- همچو نیست

بهبهانی- نوشته‌اند. همچو نیست؟ می‌گویند ما آزمایش می‌کنیم و بعد از آزمایش به مجلس می‌آوریم. خیلی خوب آزمایش کردند و دیدند که یک بنای صحیحی نیست آن وقت آن بمای ناقص را به مجلس می‌آوردند؟ خیر نخواهند آورد البته در آن هم باید جرح و تعدیل کنند و آن وقت در اینجا نوشته‌اند تا چهار ماه اگر آن اساس مؤسس نشد آن تشکیلات سابق به قوه خودش باقی است در این صورت بنده هیچ نمی‌توانم تصدیق کنم به این که اولاً یک تشکیلاتی که سال‌ها در این مملکت جاری بوده قریب هزار ماده برای آن تشکیلات نوشته شده و آن مواد به موقع اجرا گذاشته شده و آزمایش شده و بالاخره اینها را بدون هیچ سابقه تصدیقی از طرف نمایندگان. اقلماً آقایان تصدیق می‌کنند که معوق گذاشتن این تشکیلات عدلیه و این همه قوانین و مواد قانون عدلیه که تعطیل شده به تصدیق مجلس نشده اینقدرش که قدر مسلم است که آقای وزیر عدلیه همه اینها را تعطیل کرده‌اند بدون این که هیچ مراجع‌های به مجلس بکنند یا این که از مردن بپرسند یا این که بنده هم عاشق اصلاحات عدلیه هستم با این که آقایان هم عاشق به اصلاح عدلیه هستند آخر فکر کنید که یک اساس مؤسس و جاری را به چه قانون حق دارند تعطیل کنند؟ ما هنوز تصدیق به معوق مانده این مسئله نکرده‌ایم که حالا بگوییم اگر کمیسیون نتوانست کاری بکند تشکیلات سابق باز به قوه خودش باقی است و مادام آقایان توجه نکنند و حقیقتاً از روی یک فکر و رویه و یک نظری راجع به در نظر گرفتن اصلاحات عدلیه با موافقت قانون و با تصدیق قانون و موافقت مواد و اصول قانون اساسی اتخاذ نکنند بنده نمی‌دانم چه صورتی پیدا خواهد کرد بلی البته در این صورت بنده هم موافقم که این کار را بکنند دیگر این که اینجا می‌نویسند از اشخاص صالح این کمیسیون‌ها تأسیس می‌شود و بعد از آن که یک نظریاتی گرفتند آن نظریات را به موقع آزمایش می‌گذارند بعد به مجلس می‌آورند بالاخره بنده بعد از این مراتبی که عرض کردم به آقای وزیر عدلیه عرض می‌کنم چه ضرر دارد اولاً این اشخاص صالح را که در نظر گرفته‌اند اینجا بگویند کیست؟ اینها کیها هستند؟ البته تصدیق می‌کنند که اشخاص صالح در همه طبقات هستند و حتی در عدلیه بیشتر از سایر جاها هستند. در عدلیه اشخاصی هستند که هیچ سابقه سوء ندارند. در عدلیه اشخاصی هستند که اطلاعاتشان از جریان قانونی خیلی بیشتر از بنده و شما است در عدلیه اشخاصی هستند که سال‌ها است به طرفداری ملت و مشروطیت و حکومت ملی شناخته شده‌اند و هیچ لکه‌ای به دامن آنها

نخورده در عدلیه اشخاصی هستند که تاکنون یک نفر یا یک شخص یا یک فلان نتوانسته‌اند با آنها ولو برخلاف یک اتهامی بزند نظرشان با آنها است؟ نمی‌دانم، برای این که می‌گویند اشخاص صالح، صالح با نظر کی؟ من نمی‌دانم در خارج عدلیه هم اشخاصی هستند که آنها هم همین طور مثل آقای پیرنیا و آقای مصدق السلطنه مثل آقای پیرنیا حاضر آقای مدرس و امثال ذلک اشخاصی هستند که هم از قانون مطلعند و هم از نظریات مردم مطلعند و هم مردم با آنها اطمینان دارند غرضشان از اشخاص صالح اینها است؟ نمی‌دانم بالاخره ممکن است روی این اشخاص صالح ... نمی‌خواهم بگویم ایشان یک اشخاصی غیر صالحی را خواهند آورد خیر ولی تصور می‌کنم یک اشخاصی به نظر ایشان ممکن است صالح باشند اما به نظر جامعه صالح نباشند بعد از این که این قانون تصویب شد بر فرض این که اشخاص به نظر من و به نظر عموم و اتفاق مجلس صالح نباشند آیا

+++

هیچ حق دارند به ایشان بگویند شما بنا بود اشخاص صالح بیاورید اینها را چرا آوردید؟ می‌گویند حق تشخیص صلاحیت با من است. بنده عرض نمی‌کنم مخصوصاً می‌روند یک اشخاص غیر صالحی را می‌آورند اما البته تصدیق می‌کنید که ممکن است اشتباه بکنند، سهو بکنند گذشته از اینها در این باب یک چیزهایی دیگر و حرف‌های دیگر گفته می‌شود که هیچ میل ندارم آن حرف‌ها را بزنم با انتساب بدهم به کسی. لذا بنده با این ترتیب و این صورت با ماده واحده به کلی مخالفم مخصوصاً با آن قسمت آخر که می‌خواهد به کلی اساس قانون استخدام را در ماده عدلیه تمام کند و این را هم بنده هیچ صلاح نمی‌دانم و بالاخره قوه قضائیه یک مملکتی به دست یک نفر هر چه عاقل باشد به دست یک نفر هر چه خیرخواه باشد به دست یک نفر هر چه محل توجه عمومی باشد بنده صلاح نمی‌دانم و این را آقایان تصدیق می‌کنند که باید فوری ملاحظه کرد و در یک چنین امر مهمی به این تندگی که بر دو فوریت رأی و در ماده هم بدون این که به قول آقای آقا سید یعقوب هیچ کس مطالعه در آن کرده باشد یا این که نظری بکند که آخر این چه جور است فوراً برخیزید و بنشینند بنده تصور می‌کنم این یک قدری خارج از وظیفه ما است و یک قدری بیشتر دقت لازم است. یک قدری بیشتر توجه توجه به حال مردم از ماست با وصف این بنده تصدیق می‌کنم عدلیه محتاج به اصلاح است و باید اصلاح بشود ولی از راه قانون و به طریق قانون و از راه بصیرت و با مشورت مردمان بصیر با معلومات که محل توجه عامه باشند والا به این ترتیب بنده تصور نمی‌کنم قابل اصلاح باشد.

وزیر عدلیه- نماینده محترم فرمودند در ابتدای بیاناتشان که شاید آقایان موافق با این باشند که عدلیه اصلاح شود. بنده کلمه شاید را اصلاً می‌گویم صحبتش را هم نکنند (قطعا هیچ کس پیدا نخواهد شد (بنده قسم می‌خورم) که بیاورد بگوید من با اصلاح عدلیه مخالفم)

بهبهانی- همه با اصلاحات موافقت شاید هم ندارد

وزیر عدلیه- اما .. صحبت در سر اما است. ایران را ما کشته. البته ممکن نیست اشخاصی پیدا بشوند و بگویند فلان ترتیب یا فلان قضیه یا فلان رویه را من اصلاً قبول ندارم. همه می‌گویند صحیح است. مسلم است، ما هم موافقیم. شب‌ها هم خوابان نمی‌برد، اما (خنده نمایندگان) عرض می‌کنم که آقا راجع به مسئله انحلال فرمودند که آیا طریقه دیگری غیر از راه انحلال نبود البته ممکن است به نظر کس دیگر یا به عقل دیگری راه دیگری می‌رسید ولی بنده آنچه فکر و مطالعه کردم به نظر بنده راه دیگری نیامد حالا هم این مسئله یک مسئله‌ای است که شده و بنده هم همچو خیال می‌کنم که خیلی کار مشکلی خواهد بود. که به قول یک کسی این بمبی که بنده انداخته‌ام امروز هم اگر از خدمت آقایان مرخص بشوم تازه یک نفر هر قدر هم بخواهد با فکر آقا موافقت بکند و بگوید باید با سلام و صلوات این آقایان دوباره ببایند نمی‌شود و نخواهد شد بالاخره در این موضوع بعد صحبت می‌کنیم بنده می‌توانستم از چند کار یک کار بکنم: یکی این که اصلاً کار به این کارها نداشته باشم بروم بشوم وزیر عدلیه و یک مدتی هم به اندازه‌ای که آقایان موافقت بکنند آنجا بنشینم و کسی را هم با خودم مخالف نکنم. یکی هم این که به خیال اصلاح بیفتم لیکن به یک طریق دیگری- محکمه انتظامی و تفتیش و این صحبت‌ها- آن وقت فکر کردم دیدم خوب آقایان دیگر هم که تا حالا وزیر عدلیه شده‌اند لابد آنها هم خیالاتی داشتند که اصلاحاتی بکنند و موفق نشده‌اند.

البته نمی‌توانم خیال بکنم که آنها مقصود نداشته‌اند که اصلاح بکنند آنها هم لابد رفته‌اند و آنجا نشسته‌اند و خواسته‌اند کار بکنند ولی بهبهانی طریق معموله خودمانی: انشاءالله ببینیم، چه می‌شود، به تدریج چه خواهد شد. بنده مرد این کار نبودم..

بهبهانی- مطابق قانون

وزیر عدلیه- قانون آخر بنده را نیز خدا مرگ دهد ملایم. بنده هم قانون خوانده‌ام می‌فهمم بالاخره فتوای آقا

+++

در باب قانون آن است فتوای بنده این است و بالاخره گمان می‌کنم اکثریت مجلس هم بگوید موافق قانون است (بعضی از نمایندگان- صحیح است) فرمودند عدلیه اساس مشروطیت است یعنی قوه قضائیه است مگر آقا بنده منکرش شده‌ام؟ مگر خدای ناخواسته کسی اینجا هست که بیاید بگوید قوه قضائیه برای این مملکت لازم نیست؟ صحبت در این است که می‌خواهیم یک قوه قضائیه پیدا کنیم به معنای صحیح این کلمه (بعضی از نمایندگان- صحیح است) و به علاوه این تشکیلات که مکرر در این مملکت تغییر کرده یک روز به یک شکلی به هم خورد و یک مرتبه دیگر هم به یک شکل دیگر به هم خورد و این دفعه سوم است شاید این هم از نقطه نظر این که هیچ دویی نیست که سه نشود پیش آمد ولی در هر حال همه صحبت در ساختن بعدش است و البته تصدیق می‌فرمایید که در دوره پیش وقتی که عدلیه خراسان منحل شد آقا در مجلس تشریف داشتید خبر هم که مخفی نمانده بود چطور شد آن روز حرف نزدید؟ یا این که تهران خاصه است سایر شهرها خرجی؟ بنده که این اصل را قبول نکرده‌ام. بسیار خوب چطور شد امروز که بنده می‌خواهم این مسئله را انجام بدهم آقا این همه حرارت می‌فرمایید؟ اینقدر اصرار می‌فرمایید. در فوریتش نباید رأی داد دو فوریت دومش هم مخالفت می‌فرمایید (بنده خیلی عذر می‌خواهم که در مقابل آقا شخصاً این عرایض را می‌کنم) ولی این فرمایش را که می‌فرمایید- خوب عدلیه مشهد را هم که پارسال تمام تشکیلاتش را منحل کردند چرا آن وقت نفرمودید؟ اگر نظر مهر به وزیر عدلیه وقت بوده است بنده چه بی‌ارادتی کرده‌ام؟ اگر نظر به حفظ قانون بوده خوب قانون که فرق ندارد بین تهران و خراسان. حالا می‌آییم سر یک نکته که فرمودند (اشخاص بصیر کیها هستند) و این اشخاص بصیر را بنده اسم ببرم عرض کنم بنده خیلی فکر کردم و در نوشتن این ماده حقیقت واقع را عرض می‌کنم و بالاخره این عقیده را پیدا کردم (خیلی ساده) مرگ یک مرتبه! شیون یک مرتبه! یا این که مجلس شورای ملی به شخص بنده که متصدی این امر شده‌ام (حالا ممکن است یک کسی را از اقصی نقاط عالم اسمش را نشوند بیاورند و این اختیارات را به او بدهند) ولی بنده که در خدمت آقایان بوده‌ام می‌آیم مدعی می‌شوم که این کارها را می‌کنم آقا آنچه را که بنده لازم می‌دانم نه آنچه را که آقایان تشخیص می‌دهند ممکن است آنکارها لازم باشد ولی آنها از بنده ساخته نمی‌شود بنده به این وسیله می‌توانم کار بکنم و این طور تصور کردم که اگر این اختیارات را مجلس مقدس شورای ملی به بنده بدهد ممکن است موفق بشوم و این کار را بکنم حالا اگر یک طریق دیگری به نظر آقایان می‌رسد ممکن است اساساً درش بحث شود ولی بنده نظر خودم را عرض می‌کنم بنده در این مملکت یک تجربه‌های کلی دارم و تصور می‌کنم در یک همچو موردی بنده اسم یکی از اشخاص را ببرم همان وقت ممکن است اشکالاتی پیش بیاید ولو این که بنده بهترین خوب‌ها را اسم ببرم. بنابراین حالا به هیچ‌وجه داخل در این قسمت و جزئیاتش نمی‌شوم. راجع به انحلال عدلیه هم خوب است حالا که عدلیه منحل شده است هیچ صحبتش را هم نکنید. یک وزیر دیگر هم اگر فردا بیاید مگر عدلیه را از نو تشکیل بدهد ولی این عدلیه منحل شده. خوب حالا می‌خواهم ببینیم که اشخاصی را اینجا هم اسم نبرديم. چون فرمودند اینجا نمی‌گویید در کمیسیون بگویید. بنده از همین می‌ترسم زیرا اگر کار بیاید در کمیسیون عدلیه چون آنجا یک قدری خصوصی‌تر و خودمانی‌تر صحبت می‌کنیم ممکن است بنده یک اشخاصی را بگویم و آقایان یک اشخاص دیگر را بگویند و اشخاصی را هم که آقایان می‌گویند خیلی خوب باشند ولی به نظر بنده آن اشخاص خوب نباشند و اتفاقاً بنده مسئولم. مسئولیت را می‌دانید که اگر معمولاً یک حرفی را یک قدری متعارفی و ملایم بگیریم اتفاقاً وضعیاتی طوری دیگر می‌شود مسئولیت معنای خاصی و عمیقی دارد شوخی نیست بنده مسئولم. خوب آقا

+++

اگر بنده مسئول شما تمام وسائل کار را باید به نظر شده بگذارید. بنده که اصراری ندارم خدای احد و واحد شاهد است که بنده اصراری ندارم. آقایان امروز بفرمایند که این رویه‌ات را نمی‌پذیرم از همین جا خداحافظی می‌کنم و مرخص می‌شوم و استعفا را تقدیم می‌کنم بنده به عقیده‌ام این طور رسید که در این مملکت چه عیب دارد که یک نفر ایرانی اهل این مملکت بیاید و خودش را به آب و آتش بزند و سعی کند یک چیزی از آب بیرون بیاورد البته اگر گذاشتند و شد بهتر از این ولی بنده از اول بار چرا یک چیزی بگویم که برنخورد یا بگویم سنک می‌خواهند پیش پایم بیندازند. خیر می‌گویم اگر یک طریقی می‌خواهند جلوی پایبند بگذارند که قلم پای بنده حاضر نیست از آنجا برود نخواهم رفت نه هیچ بنده را به هیچ نستان کاری نیست نمی‌خواهید این اختیارات را بدهید؟ ندهید اگر از بنده قبول می‌کنید این مسئله را که یک کاری بتوانم بکنم این طور می‌خواهم اگر میل ندارید البته مختارید البته مجلس شورای ملی است آقایان سابقه دارند تجربه دارند. زندگانی اجتماعی دارند قوانین اساسی را می‌دانند فکر مردم و ملت هستید. قانون را می‌دانید. حفظ قانون را در نظر دارید البته آن وقت چرا باید یکی کسی که آمده است می‌گوید من می‌خواهم این طور کار بکنم و به عقیده شما یک نگرانی‌هایی را تولید کند اختیار بدهید و در آخر این را هم عرض کنم که فرمودند خوب اگر دیدیم این آدم یک اشخاصی را انتخاب کرد که واقعا صلاحیت ندارند یا با اشتباه یا به هر ترتیب دیگر آن وقت چه می‌شود؟ هیچ طوری نخواهد شد. آن وقت آقایان در این مجلس یا می‌شوند سؤال ممکن است بکنند استیضاح ممکن است.

آقا سید یعقوب - استیضاح را فرمایید (خنده نمایندگان)

وزیر عدلیه - خیر خودم حس می‌کنم که اکثریت مجلس شورای ملی نمی‌خواهد و آن شخص را غیر صالح می‌داند و بنده هم یک کاری کرده‌ام و خبط شده و این کار پیش نمی‌رود خودم می‌روم ولی امروز شما هرچه بگویید من می‌گویم شما حق ندارید به طور مساعده اعتراض کنید. من که هنوز کاری نکرده‌ام امر هم که امر قطعی نیست. انتخاب وکیل برای مجلس شورای ملی نیست که برای دو سال باشد که خدای نکرده بعد اگر کاری کرد شما نتوانید کاری بکنید خیر. یک عده اشخاصی را یک روزی به موجب اجازه که مجلس داده است آورده است وقتی دیدند بد انتخاب شده آن وزیر را می‌اندازند بیرون و یک وزیر دیگر می‌آید (چون در مورد خودم بود این عرض را کردم) و آن تشکیلات را به هم می‌زنند و آن اشخاص و کمسیون را بهتر و درست‌تر انتخاب می‌کنند و خلاصه به شکل دیگر در می‌آوردند. اینها یک چیزهایی نیست که تصور کنید اگر امروز آمدید یک کاری را کردید خدای نکرده دنیا به هم خورد خیر - اختیار در دست شما است با این مقدمات بنده تصور می‌کنم که جای نگرانی‌های فوق‌العاده نباشد حالا هم بسته است به نظر آقایان.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است **(بعضی گفتند - کافی نیست)**

رئیس - آقای حاج شیخ بیات. راجع به عدم کفایت فرمایشی دارید؟

آقا میرزا نصرالله (بیات) - آقای آقا سید یعقوب اظهار می‌کنند استیضاح ممکن است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این که آقای بیات اجازه‌شان را به بنده دادند برای این بود که چون بنده مخالف اکثریت مجلس رحم نمی‌کند. از این نظر اظهار نکردند. ولی بنده عرض می‌کنم این ماده که آقای وزیر عدلیه پیش بنده فرستادند و ملاحظه کردم بعضی پیشنهادها دارم و یقین دارم بعضی از آقایان هم نظریاتی دارند از این که یک نفر مخالف حرف بزند و

+++

یک نفر موافق تصدیق کند نمی‌شود. این همه عجله نداشته باشید. دو رأی به فوریت اول و دوم گرفته شده و مسلم هم امروز رأی خواهند داد ولی باز عقیده بنده همان است که عرض کردم و خود آقای وزیر عدلیه هم فهمیدند که عرض بنده از نظر مخالفت نیست از نظر این است که قضیه درست حل شود که نگویند اقلیت در اینجا بوده است از این جهت است که عرض می‌کنم بیشتر در اطرافش صحبت شود.

رئیس- رأی گرفته می‌شود به کفایت مذاکرات. آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس- تصویب نشد. چون بعضی از آقایان اجازه خواسته‌اند اگر مجلس موافق است چند دقیقه تنفس داده شود

جمعی از نمایندگان- صحیح است

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس- آقای دکتر مصدق مخالف هستید؟

دکتر مصدق- بنده عرضی ندارم

رئیس- آقای شریعت‌زاده

شریعت‌زاده- موافقم

رئیس- آقای حاج آقا رضا (رفیع)

رفیع- موافقم

رئیس- آقای خواجوی

خواجوی- بنده موافقم

رئیس- آقای مهدوی

آقا رضا مهدوی- موافقم

رئیس- آقای افسر

محمد هاشم میرزا (افسر)- بنده یک سؤالی از آقای وزیر عدلیه داشتم و می‌خواستم از این جریان و تشکیلاتی که می‌خواهند بدهند مسبوق شوم که بدانم مخالف باشم یا موافق و آن وقت هم در فوریت می‌خواستم حرف بزنم که سوء تفاهم شد و آقای یاسایی هم تصور کردند بنده قانون اساسی را نخوانده‌ام بنده می‌دانم که در قانون اساسی محاکم استیناف برای ایالات هم هست و همه اینها در آنجا هست ولی بنده می‌خواستم بدانم که نظریه آقای وزیر عدلیه در این موضوع چیست؟ و همان طوری که در امور شرعیه وقتی به شرع رجوع می‌شود قابل استیناف و تمیز نیست در امور عرفیه هم می‌خواهند ترتیباتی بدهند که حتی‌الامکان به حکمیت ساده بگذرد و مخالفتی هم با قوانین نداشته باشد و بالاخره ترتیبی بدهند که محتاج به استیناف و تمیز نباشد چنان که در امور شرعیه محتاج نیست یا خیر؟ اگر این طور است بنده موافقم و اگر نیست که بنده مخالفم- حالا نظریاتشان را بفرمایند تا بعد بنده عرضم را بکنم.

وزیر عدلیه- عرض کنم- اگر به طور کلی و اصولی سؤال بفرمایند که آیا نظر این خواهد بود که در طرز تشکیلات و اصول محاکمات حتی‌الامکان تا آنجایی که هر دو نظر رعایت بشود یعنی یک قطع و فصل دعاوی به سرعت بشود یکی دیگر این که تأمین عدالت هم بشود. چون البته به سرعت می‌شود قضایا را حل کرد ولی خیلی اوقات ممکن است که قسمت دوم تأمین نشده باشد. اگر در حدود این دو شرط که هم به احقاق حق نزدیک بشود و هم به سرعت کار بگذرد. البته در این حدود آنچه که تصمیم لازم گرفته خواهد شد همان طور که بنده عرض کردم این تشکیلات عیب دارد و این تشکیلات پیچ و خم و طول و تفصیلش خیلی است و باید کاری بکنیم که این پیچ و خم‌ها کم شود و محاکمات

+++

ساده‌تر و سریع‌تر شود و به طور کلی عرض می‌کنم ولی به طور مفصل در جزئیات بخواهند صحبت بکنم نمی‌شود حالا مورد ندارد و ضمناً موقع را مغتنم می‌شمرم و این قسمت را تذکر می‌دهم چون در خارج اطاق در موقع تنفس بنده احساس کردم که بعضی از نمایندگان محترم یک نگرانی‌ها راجع به یک قسمت‌هایی داشتند و حالا هم که عرض می‌کنم برای این است که خدمت آن آقایانی که نرسیدم و همان نگرانی‌ها را داشتند بگویم که وقت مجلس گرفته نشود و این فرمایشات را نکنند. چون اعتراض کردند و اظهار نگرانی نمودند و که این کمیسیون‌هایی که می‌آیند ممکن است یک قانونی بگذرانند راجع به فلان قسمت از اصول محاکمات و چون اسم آزمایش در بین است پنج روز بعد خدای نخواستہ (چون باید تمام اینها

را در قانون پیش‌بینی کرد) از نقطه‌نظر این که فلان محاکمه را به او کمک کرده باشند یا به فلان صاحب دعوی همراهی کرده باشند آن ماده را تغییر بدهند و یک ماده دیگر جای آن می‌گذارند. برای این که جلوگیری از این نگرانی‌ها بشود یک فورمولی بنده درست کرده‌ام و به بعضی از آقایان هم عرض کردم و حالا هم باز عرض می‌کنم که اگر آقایان اظهار مخالفتی دارند متوجه به این قسمت باشند که اضافه خواهد شد که این کمیسیون‌هایی که معین می‌شوند برای اجرای آن موادی که در نظر می‌گیرند اولاً یک مدتی معین بکنند که مثلاً پس از ده روز یا بعد از یک ماه این ماده که الان ابلاغ می‌شود به موقع اجراء گذارده خواهد شد که مردم تکلیف خودشان را بدانند و یکی دیگر این که وقتی که ابلاغ شد و جریان پیدا کرد دیگر این کمیسیون حق تجدیدنظر در قانون ندارد تا ببیاید به مجلس و مجلس تکلیفش را معین کند. این را هم تذکر دادم که بدانند و بنده این قسمت را بعد اضافه خواهم کرد.

رئیس- آقای زوار پیشنهاد کفایت مذاکرات را کرده‌اند

(به شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد کافی بودن مذاکرات را می‌نمایم

رئیس- رأی گرفته می‌شود به کفایت مذاکرات آقایانی که تصویب می‌کند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. (خطاب به وزیر عدلیه) آن فورمول را خوب است التفات کنید بعد رأی بگیریم.

وزیر عدلیه- بله الان

آقا سید یعقوب- بنده هم یک پیشنهادی عرض کردم (ماده واحده به شرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده- وزیر فعلی عدلیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید، کمیسیون‌های فوق برای اجرای موادی که تصویب می‌نمایند مدتی معین می‌کنند که پس از انقضای آن مدت مواد مصوبه به موقع اجرا گذاشته می‌شود و پس از ابلاغ کمیسیون‌ها در آن مواد دیگر حق تجدیدنظر نخواهند داشت. کمیسیون‌های مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند. مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده به قوه خود باقی است.

تبصره- وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری و محاکمه عدلیه انتخاب نموده و مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر می‌نماید این اختیار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است.

+++

رئیس- پیشنهادها قرائت می‌شود (به ترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم در تبصره عوض کلمه اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشد یا نه نوشته شود اعم از این که در وزارت عدلیه سابقه استخدام داشته باشد یا وزارتخانه دیگر (یعقوب‌الموسوی)

رئیس- بفرمایید

آقا سید یعقوب- گر چه در خارج هم به آقای وزیر عدلیه عرض کردم ولی می‌خواهم وجهه نظرم را به عرض مجلس برسانم. وجهه نظر بنده چنان که نماینده‌های محترم دیده‌اند در هر جا من مواظب هستم که یک خرج زیادی برای مملکت فراهم نشود این قانون استخدام که ما نوشتیم آنهایی که مشمول آن هستند مکرر هم عرض کرده‌ام. به هیچ قوه نمی‌شود آنها را خارج کرد. و این عبارت که نوشته شده است. اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشد یا نه (قطع نظر از این که یک ماده کنتراتی در قانون استخدام ذکر شده که آن ماده از اصول قانون استخدام بیشتر رفته و همه وزارتخانه‌ها هم گرفتارند و چقدر برای مستخدمین کنتراتی بودجه مملکت را زیاد کرده‌اند) این هم یک باب وسیع دیگری باز می‌کند. بنده خودم که یک نفر از اعضاء کمیسیون بودجه هستم به عرض مجلس می‌رسانم که ما سیصد و پنجاه هزار تومان کسر بودجه داریم این ماده را اینجا می‌گذاریم پس فردا به قدری از مدارس متوسطه و عالییه در اینجا زیاد هستند که وزیر عدلیه دیگران را به زحمت می‌اندازد. بنده می‌ترسم در اینجا باز یک باب دیگری و یک مخارج دیگری به واسطه این کلمه زیاد بشود. این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم که نوشته شود اعم از این که سابقه در وزارت عدلیه داشته باشند یا در وزارتخانه دیگر 0 و یا منتظرین خدمت سایر وزارتخانه‌ها (چنانچه در کمیسیون بودجه آقای وزیر مالیه هم تشریف داشتند آقای یاسایی هم تشریف داشتند) ما بودجه کارگذاری را به کلی منحل کردیم و زیرا خودمان را محتاج به آن ندیدیم. همین‌ها قضاوت کرده‌اند و در محاکم کار کرده‌اند و سابقه هم دارند. تمام نظر بنده این است که یک بودجه اضافه تحمیل نشود حالا اگر بنده را قانع می‌کنند که بر بودجه چیزی اضافه نشود و تحمیلاتی به مملکت نشود عرضی ندارم ولی پیشنهاد بنده از این نظر بود که عرض کردم.

وزیر عدلیه- عرض می‌کنم نظر آقای آقا سید یعقوب یک نظری است که رعایتش بر هر وزیری یا وکیلی لازم است و البته حتی‌الامکان باید خرج زیادی نتراشید و ایشان مخصوصا کسی هستند که در پشت این تریبون سر کیسه ملت را محکم گرفته‌اند ولی خودشان تصدیق دارند که اگر خرجی لازم شد نباید طفره زد بنده اینجا اطمینان می‌دهم که تا حدی که ممکن باشد ما اشخاصی که صلاحیت داشته باشند از بین همین مستخدمین دولت خواهیم آورد. اما از آقا اجازه می‌خواهم که بگذارند دست دولت باز باشد. ما حتی‌الامکان از خارج کسی را نخواهیم آورد ولی اگر اتفاق افتاد و یک کسی بدرد این کار خورد حیف است که ما او را کنار بگذاریم و قطعا عده اینها هم زیاد نخواهند بود و روی هم رفته شاید ما بیش از پنجاه شصت نفر از خارج نیاوریم فرضا که صد نفر هم بیاوریم و یک خرج مختصری هم برای این کار بکنیم تازه در مقابل نفع بزرگی که جا می‌دهند بنده گمان نمی‌کنم اهمیتی داشته باشد و با این شرط خوب است آقای آقا سید یعقوب با ما هم راهی کنند و قدری سر کیسه ملت را شل کنند.

رئیس- آقای دادگر موافقید؟

دادگر- خیر مخالفم

+++

رئیس- آقای یاسایی

یاسایی- بنده‌ام با پیشنهاد مخالفم با اصل ماده موافقم.

رئیس- آقای شیروانی؟

شیروانی- با پیشنهاد مخالفم.

رئیس- آقای افسر

افسر- بنده هم مخالفم

آقاسید یعقوب- استرداد می‌کنم

رئیس- استرداد کردند. پیشنهاد آقای مدرس (این طور خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم آخر ماده به ترتیب ذیل اصلاح شود مواد فعلیه اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر و تصویب مجلس شورای ملی با کمیسیون عدلیه تغییر نکرده به قوه خود باقی است و در عین حال مواد مصوبه کمیسیون‌ها موقتاً معمول بها خواهد بود.

رئیس- آقای مدرس

مدرس- گرچه پیشنهاد است و آقای رئیس اجازه نمی‌فرمایند که در پیشنهاد خیلی صحبت بشود ولی بنده عقیده‌ام این است که هریک از اشخاص که یک خیالی به جهت اصلاح در کله‌اش افتاد باید او را آزاد گذارد که آن خیال خودش را اجرا کند تا شاید انشاءالله الرحمن نتیجه از آن حاصل شود در ماده واحده عقیده بنده این بود که هیچ صحبت نداریم و بگذاریم همین طوری که نظر خودشان است مجلس رأی بدهند لکن یکی دو نکته را بنده بی‌تناسب ندیدم که صحبت کنم. در این مجلس خیلی‌ها آمدند و اختیار تام خواستند و به آنها داده شد. ما به خاطر داریم رئیس‌الوزراها آمدند و اختیارات تام خواستند. قانون 23 جزا را دیدیم خلاصه خیلی اختیارات تام دیدیم حالا هم عیبی ندارد که یک اختیاراتی هم به آقای داور بدهیم ولی دو نکته را باید خدمت ایشان عرض کنم و گمانم این است این دو نکته را نمی‌شود صحبت نداشت. یکی این که متجاوز از ده سال است یک قانونی مرتب شده. اهل خبره، کمیسیون عدلیه. یک مستشاری که آوردیم و قریب صد هزار تومان به او پول دادیم همه در او نظر کردند (و قانون امتحانی درست کردند) و یک قوانین را به موقع اجرا گذاردند. از این که وضعیت عدلیه ما هم حالا خوب نیست حرفی نیست ولی حالا باید کاری بکنیم که آنچه که داریم تا یک چیزی جای آن نگذاشته‌ایم آنها را کان لم یکن نکنیم. اگر انشاءالله این کمیسیون‌ها موفق شدند و یک قوانین و لواهی ترتیب دادند و آنها را به موقع آزمایش گذاشتند و در ضمن هم تقدیم مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه با اجازه مجلس شورای ملی آنها را تصویب کرد هرچه را که از این قوانین جدید تصویب کردند و مقابلش از این قوانین فعلی کسر و محو نمایند. اما به مجردی که کمیسیون‌ها رأی دادند که این قوانین جدید به موقع اجرا گذارده شود نمی‌شود این قوانین فعلی را کان کم یکن تصور کرد الغاء این قوانین باند به تصویب مجلس یا کمیسیون عدلیه باشد به همان ترتیب که هرچه از این قوانین را مجلس یا کمیسیون تصویب کرد از قوانین فعلی کسر نماید این بود مفاد نظریه بنده که پیشنهاد کردم.

وزیر عدلیه- بنده اولاً از بعضی از آقایان رفقا که اجازه خواسته‌اند و می‌خواهند به عنوان موافقت صحبت بکنند که کار زودتر بگذرد خیلی غدر می‌خواهم که همه صحبت را خود بنده می‌کنم و در اینجا این نظری را که آقای مدرس فرمودند بنده هیچ مانع مقصود نمی‌بینم.

امروزه یک قوانین و قواعدی هست و ما اصلاحاتی را که در قوانین می‌کنیم حاضری که آن اصلاحاتی را که

+++

به موقع اجرا می‌گذاریم به مجلس پیشنهاد کنیم و البته تا وقتی که مجلس یا کمیسیون عدلیه مجلس به آن رأی نداده است اسم قوانین فعلی را نباید قوانین ملغی شده گذاشت منتها معطل و موقوف‌الاجرا می‌نماید و قوانینی که به موقع آزمایش گذارده می‌شود به مجلس می‌آید و تکلیفش را مجلس معین خواهد کرد و چون مقصود بنده هم همین است و با مقصود آقای مدرس یکی است بنده این پیشنهاد را قبول می‌کنم و از آقایان موافقین هم خواهش می‌کنم موافقت بفرمایند

یک نفر از نمایندگان- خوب است یک مرتبه دیگر قرائت بشود. (به شرح فوق قرائت شد)

رئیس- قبول فرمودید؟

وزیر عدلیه- بلی

رئیس- پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت می‌شود (به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم که کمیسیون‌هایی که تشکیل می‌شود مرکب بوده باشد از شش نفر که به تصویب مجلس سه نفر از وکلاء و سه نفر از خارج معین شوند و رئیس عدلیه هم حق دارد دو نفر خودشان معین کنند که مجموع هشت نفر بشوند.

رئیس- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی- چون وزارت عدلیه مجبور است کمیسیون‌هایی معین کند که آن کمیسیون‌ها راجع به تشکیلات نظریات خودشان را معین کنند بهترش این است که این اشخاص از مخالف و موافق باشند تا کار زودتر بگذرد. از این جهت نظر بنده این است که سه نفر از وکلای مجلس و سه نفر از خارج این شش نفر به انتخاب خود مجلس باشد و دو نفر هم خود وزیر عدلیه انتخاب کند که مجموع این اشخاص هشت نفر باشند و این هشت نفر بنشینند و زودتر کار را درست کنند.

رئیس- آقای وزیر عدلیه نسبت به این پیشنهاد چه می‌فرمایید؟

وزیر عدلیه- حقیقتش این است که بنده نمی‌توانم این پیشنهاد را قبول کنم و دلایل زیادی دارم که اگر لازم شد بعد عرض خواهم کرد ولی همین قدر به طور خلاصه عرض می‌کنم که خوب است اجازه بدهند و روی همان اصلی که آقای مدرس فرمودند این ترتیبی که فعلاً هست و پیشنهاد شده دیگر به هم نخورد و تصویب شود.

رئیس- رأی گرفته می‌شود به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت می‌شود (این طور خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم در ماده واحده اضافه شود هر ماده را که کمیسیون‌ها تصویب کردند باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

آقا سید یعقوب- این ماده را که آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کرده و مجلس می‌خواهد رأی بدهد بنده قرائت می‌کنم تا آقایان در نظر داشته باشند. نوشته است (اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده به قوه خود باقی است) آن وقت کمیسیون‌ها برای تشکیلات خود وزارتخانه‌ها و تشکیلات محاکم موادی را تنظیم می‌کنند و وزارت عدلیه مجبور است آن مواد را اجرا کند. در این ماده هیچ نوشته نشده است که آن موادی را که کمیسیون‌ها تصویب می‌کنند به تصویب مجلس شورای ملی باید برسد از این جهت بنده پیشنهاد کردم کمیسیون‌هایی که مأمور از برای تنظیم این مواد هستند برای تشکیلات و محاکمات و قانون استخدام باید آن مواد به تصویب مجلس شورای ملی برسد و الا لازم

+++

می‌آید که غیر از قوه مقننه قوه دیگری دخالت در وظایف قوه مقننه کرده باشد حالا اگر آقای عدلیه می‌فرمایند که آن پیشنهاد آقای مدرس این نظریه بنده را تأمین می‌کند یعنی این را می‌رساند که موادی را که کمیسیون‌های چهارگانه تصویب می‌کنند باید به تصویب مجلس هم برسد که بنده پیشنهاد خودم را استرداد می‌کنم والا اگر این طور نباشد و وزیر عدلیه آن مواد را بدون تصویب مجلس شورای ملی به موقع اجراء گذارد بنده جداً مخالفم زیرا آنچه عرض کردم لازم می‌آید که غیر از قوه مقننه دیگری مداخله در وظایف قوه مقننه نکند.

وزیر عدلیه- لازم است عرض کنم که بنده تصور نمی‌کنم هیچ وقت خیالم این بوده که در وظائف قوه مقننه دخالت کنم و پیشنهادی هم که آقای مدرس فرمودند و بنده هم قبول کردم گمان می‌کنم تمام این نظریات را می‌رساند و تأمین می‌کند

آقا سید یعقوب- پس بنده استرداد می‌کنم (خنده نمایندگان)

آقا سید یعقوب- اما بنده مطالعه می‌کنم که قانون درست بگذرد شما مطالعه نمی‌کنید این خنده ندارد!

رئیس- پیشنهاد دیگر آقای مدرس (این طور خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم نوشته شود: پس از آزمایش مدت شش ماه

رئیس- آقای مدرس

مدرس- عرض می‌شود چون (آزمایش) در ماده بود و معلوم نیست که آزمایش برای چند مدت است از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و به خودشان هم عرض کردم و گمان می‌کنم شش ماه هم در قوه خودشان بپایند که این مواد و قوانین را به موقع عمل بگذارند.

وزیر عدلیه- بنده با مدت شش ماه هم موافقم

رئیس- پیشنهاد آقای بهبهانی (به مضمون ذیل قرائت شد)

در اعضاء کمیسیون‌ها بنده پیشنهاد می‌نمایم با نظر هیئت دولت باشد.

رئیس- آقای بهبهانی

بهبهانی- عرض می‌کنم اینجا یک مذاکراتی راجع به اعضاء کمیسیون‌ها شد و آقای وزیر عدلیه نخواستند عرایض بنده را رد کرده باشند ولی در اینجا فرمودند نمی‌توانم بگویم برای این که محظورات دارد ولی البته این محظورات را در بین خودشان و بین همکاران خودشان و آقایان وزراء ندارند لهذا بنده این طور پیشنهاد کردم و تصور می‌کنم خودشان هم این پیشنهاد را قبول بفرمایند که اعضاء کمیسیون‌ها را با نظر هیئت وزراء قرار بدهند و این مسئله را در جلسه هیئت وزراء مطرح کنند و در آنجا رأی بگیرند.

وزیر عدلیه- عرضی که بنده می‌خواهم بکنم خیلی مختصر است و محتاج به آمدن پشت تریبون هم نبود ولی چون دو سه دفعه اینجا برای مخالفت با اظهارات آقای بهبهانی آمدم و متأسفانه به عنوان مخالفت جواب فرمایشات آقا را دادم این دفعه آمدم برای این که خوش‌وقتانه با فرمایشات آقا موافقت کنم البته بدیهی است که بنده هیچ‌وقت مطالبی را پیش خودم نگه نخواهم داشت و محرمانه نخواهد بود و در خیلی از موارد از نظریات آقایان وزراء استفاده خواهم کرد و همچو تصور نشود که اگر بنده در خارج مشورت کنم به بنده برمی‌خورد البته بنده با آقایان وزراء مشاوری می‌کنم و این پیشنهاد را هم قبول می‌کنم

رئیس- دیگر پیشنهادی نیست باید نسبت به ماده رأی بگیریم

+++

وزیر معارف- بنده با پیشنهاد آقای بهبهانی مخالفم.

یک نفر از نمایندگان- نمی‌شود مخالفت کرد وزراء مسئولیت مشترک دارند.

وزیر معارف- حق دارم مخالفت کنم به همان دلیلی که مسئولیت مشترک می‌خواهد ایجاد شود شما این اختیارات را می‌دهید به وزیر فعلی عدلیه و مصلحت در این است که مجلس قیود زیادی برای لوٹ شدن مسئولیت ایجاد نکند. شما به هیئت وزراء چه کار دارید؟ وزیر عدلیه کاملاً طرف اعتماد هیئت وزراء است. اگر خودشان بخواهند مشورت کنند آن یک موضوع دیگری است ولی در این ماده واحده بنده هیچ موجهی نمی‌بینم که وزیر عدلیه ملزم باشد که هیئت وزراء را هم داخل این مسئولیت بکند و بنده با این ترتیب مخالفم.

وزیر عدلیه- اجازه می‌فرمایید؟ عرض کنم راه حلی که به نظر بنده می‌رسد که هم مقصود آقای بهبهانی تأمین شده باشد و همچون آقای وزیر معارف با این ترتیب موافقت ندارند برای حل قضیه بهتر این است که آقا پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و بنده به ایشان اطمینان می‌دهم که بدون مشورت رفقای خودم هیچ کاری نکنم.

رئیس- (خطاب به آقای بهبهانی) مسترد فرمودید؟

بهبهانی- بلی مسترد می‌دارم

رئیس- پیشنهاد شده است با ورقه رأی گرفته شود

وزیر عدلیه- اجازه می‌فرمایید ماده واحده خوانده شود.

رئیس- خوانده می‌شود و بعد رأی گرفته می‌شود (به شرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده- وزیر فعلی عدلیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش در مدت شش ماه به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. کمیسیون‌های مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند. کمیسیون‌های فوق برای اجرای موادی که تصویب می‌نمایند مدتی معین می‌کنند که پس از انقضای آن مدت مواد مصوبه به موقع اجرا گذاشته می‌شود و پس از ابلاغ کمیسیون‌ها در آن مواد دیگر حق تجدید نظر نخواهند داشت. مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه تغییر نکرده به قوه خود باقی است و در عین حال مواد مصوبه کمیسیون‌ها موقتاً معمول بها خواهد بود. تبصره- وزیر عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای مؤسسات اداری محاکم عدلیه انتخاب نموده مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر می‌نماید.

رئیس- رأی گرفته می‌شود به این ماده و تبصره با اوراق. آقایانی که موافقت ورقه سفید خواهند داد و الا ورقه کبود

(در این موقع اخذ و استخراج آراء به عمل آمده نتیجه این طور حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول 81 ورقه کبود علامت رد 3

رئیس- عده حضار صد و یک با اکثریت هشتاد و یک رأی تصویب شد. آقای وزیر معارف

وزیر معارف- آقای میرزا یوسف خان مشار را به سمت معاونت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه معرفی می‌کنم.

وزیر داخله- آقای مصطفی‌قلی خان بیات را به معاونت وزارت داخله به مجلس شورای ملی معرفی می‌کنم.

رئیس- پیشنهاد ختم جلسه شده است (بعضی از نمایندگان- صحیح ایت) چون فردا روز عید است برای شرفیابی و عرض تبریک حضور

اعلیحضرت همایونی باند نه نفر به حکم قرعه معین شوند (اقتراح به عمل آمده و آقایان مفصله‌الاسلامی به حکم قرعه معین شدند)

آقای محمد هاشم میرزا افسر- آقای میرزا علی کازرونی- آقای طباطبایی وکیلی- آقای آقا سید یعقوب- آقای دادگر- آقای آقا سید زین‌العابدین

فومنی- آقای مفتی- آقای ملک مدنی- آقای میرزا عبدالباقی جمشیدی

رئیس- آقای وزیر فوائد عامه اظهاری دارید؟

وزیر فوائد عامه- بنده کاری ندارم ولی چون آقایان وزراء معاونین خودشان را معین کردند و بنده در نوبت ثانی این کار را نکرده بودم

به اعتبار این که همان مرتبه اولی کافی بوده است. حالا هم در ثانی آقای رهنما را به معاونت خودم معرفی می‌کنم.

رئیس- جلسه آتیّه روز یکشنبه دستور هم لایحه تأسیس بانک

(مجلس تقریباً یک ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

قانون

اجازه اصلاح قوانین اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه به وزیر فعلی عدلیه مصوب 27 بهمن ماه 1305 شمسی

ماده واحده - وزیر فعلی عدلیه مجاز است بوسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذارند تا پس از آزمایش مدت شش ماه در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید کمیسیون‌های مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند.

مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه تغییر نکرده به قوه خود باقی است و در عین حال مواد مصوبه کمیسیون‌ها موقتاً معمول بها خواهد بود. کمیسیون‌های فوق برای اجرای موادی که تصویب می‌نمایند مدتی معین می‌کنند که پس از انقضای آن مدت مواد مصوبه به موقع اجرا گذاشته می‌شود و پس از ابلاغ کمیسیون‌ها در آن مواد دیگر حق تجدید نظر نخواهد داشت

تبصره - وزیر فعلی عدلیه می‌توانند اشخاصی را لازم می‌داند اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشد یا نه برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده و مؤسسات و محاکم را از آن اشخاص دایر نماید این اختیار برای مدت چهار ماه از تصویب این قانون است این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و هفتم بهمن 1305 شمسی به تصویب مجلس شورای رسید.

حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی

+++

یادداشت‌ها
